

Analysis of the components and examples of civilizational jurisprudence in the intellectual system of Ayatollah Khamenei

Ali Mohammadian *

Received on: 11/09/2022

Morteza Keshavarzi Valdani **

Accepted on: 20/01/2023

Abstract

Purpose: Given that Islamic teachings can always be considered as the best options for objectifying a progressive civilization that involves human happiness and in this regard the knowledge of jurisprudence has a special place; therefore the purpose of this article is to understand the nature of civilization-building jurisprudence as well as to explain its place and to try to explain its components from the perspective of the Supreme Leader of the Islamic Revolution who practically administer and take measures of the Islamic Society. Therefore, the present article, by delaying the statements of the supreme leader and studying his works, seeks to extract the axes of civilized jurisprudence in his head.

Methodology: The present research is of a fundamental type and the method used in it is descriptive-analytical. The data collection was done in a library way, and the authors, after explaining the main concept of the discussion, explained and identified the existing documents related to the topic of the article and then analyzed the evidence.

* Assistant Professor of Jurisprudence and Islamic Law, Bozormehr Qaenat University, Qaenat, Iran. (Corresponding Author)

mohammadian@buqaen.ac.ir

 0000-0001-8879-1879

** Assistant Professor of Jurisprudence and Islamic Law, Bozormehr Qaenat University, Qaenat, Iran.

Keshavarzvm@Gmail.com

 0000-0003-4491-0391



Findings: The axes of civilized jurisprudence in the statements of the supreme leader can be examined in five axes: 1- to address the rights of non-Muslim citizens, including the equality of the diyah of the people of the book with the diyah of Muslims. 2-to address the rights of religious minorities, including the sanctity of insulting the sanctities of the Sunnis. 3-attention to the element of time and place in the process of ijtiḥad. 4-the need to create additional jurisprudence, which is considered among the necessities of civilized jurisprudence. 5-harnessing the capacities of governmental jurisprudence in the direction of civilized jurisprudence.

Conclusion: Civilized jurisprudence is a holistic approach to jurisprudence and Sharia and is appropriate to the requirements of modern life and the developments of human life. In this context, the supreme leader believes that the new Islamic Civilization means Strategic Development and progress in all aspects of Muslim life. In his view, the goal and philosophy of civilized jurisprudence is to create psychological peace for the Islamic Society, which will also be accompanied by the development of scientific and material manifestations; so if religion is concerned with globalization and intends to give a plan for humanity towards a higher life, it must take the civilization process based on the assumption of the community of religion.

Keyword: jurisprudence, civilization, religious teachings, The Supreme Leader, civilized jurisprudence.

تحلیل مؤلفه‌ها و مصادیق فقه تمدن‌ساز در منظومه‌ی فکری آیت‌الله خامنه‌ای

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۲۰

علی محمدیان *

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۳۰

مرتضی کشاورزی ولدانی **

چکیده

در عصر حاضر با توسعه ارتباطات و شیوع رسانه‌های ارتباط جمعی و ظهور مکاتب گوناگون فکری، بحث از تفوق تمدنی و گفتمان برتر فکری از حیثیت ویژه‌ای برخوردار شده است. در این میان از نظر بسیاری از دانشمندان مسلمان، تعالیم مترقی شریعت، به‌مثابه تئوری اداره انسان از بدو حیات تا لحظه ممات، نیکوترین راهبرد و استوارترین شیوه برای عینیت بخشیدن به تمدن برتر محسوب شده و یگانه راهکار مورد وثوق در برابر استیلای تمدنی غرب، برکشیدن و شناسایی و تبیین مؤلفه‌های تمدنی شریعت و از جمله فقه اسلامی می‌باشد. نوشتار حاضر با عنایت به ضرورت بحث و نیز خلأ پژوهشی موجود، در جستاری مسئله‌محور و با اتخاذ روش توصیفی-تحلیلی، با هدف پاسخ به این پرسش شکل گرفته است که مؤلفه‌های گفتمان فقه تمدنی در بیانات و آثار مقام معظم رهبری شامل چه مواردی می‌شود. نیک پیداست که موضع ایشان در باب مؤلفه‌های فقه تمدنی از این جهت حائز اهمیت شایان است که معظم‌له در طول سالیان از رهگذر مدیریت جامعه، تجارب ارزشمندی کسب نموده و با تاسی به آموزه‌های دینی، پیاده‌سازی تعالیم راهبردی شریعت را مدنظر قرار داده‌اند؛ لذا تبیین رویکرد ایشان می‌تواند به‌مثابه الگویی درخشان فراروی مدیران جامعه در جهت پیشبرد راهبردهای کلان نظام اسلامی قرار گیرد. نوشتار حاضر پس از استقصا در آرای مقام معظم رهبری، گفتمان فقه تمدنی را در پنج محور در آرای ایشان بازشناسی و معرفی کرده است: ۱. حقوق شهروندان غیرمسلمان ۲. حقوق اقلیت‌های مذهبی ۳. اهتمام به عنصر زمان و مکان ۴. ضرورت ایجاد فقه‌های مضاف ۵. بهره‌گیری از پتانسیل‌های فقه حکومتی.

کلمات کلیدی: فقه، تمدن، آموزه‌های دینی، مقام معظم رهبری، فقه تمدنی.

* استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه بزرگمهر قاننات، قاننات، ایران. (نویسنده مسئول).

ID 0000-0001-8879-1879

mohammadian@buqaen.ac.ir

** استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه بزرگمهر قاننات، قاننات، ایران.

ID 0000-0003-4491-0391

Keshavarzvm@Gmail.com



بیان مسئله

از دیرباز و از زمانی که انسان حیات خود را در زمین آغاز نمود و زندگی اجتماعی سامان گرفت، همواره آدمیان در پی برآوردن نیازهای خود و درصدد یافتن نیکوترین شیوه برای زندگی مسالمت‌آمیز در کنار دیگران بوده‌اند. در این بین پروردگار خالق انسان، با فرستادن انبیای الهی و تشریح قوانین سازگار و متناسب با جنبه‌ها و ابعاد مختلف زندگی انسان، همواره سعادت بشر را مورد توجه قرار داده است. در این میان، دین جاودان اسلام و تعالیم مرفعی آن، به‌مثابه آخرین و جامع‌ترین شریعت و حیانی، از جایگاه برجسته‌ای برخوردار است؛ زیرا با توجه به اینکه در عصر حاضر مکاتب گوناگون بشری، هرکدام مدعی ارائه‌ی برنامه زندگی انسان می‌باشند، بدیهی است که اگر مکتبی قادر نباشد به پرسش‌ها و نیازهای متنوع آدمیان پاسخی درخور ارائه دهد، نمی‌تواند امید چندانی به تداوم و بقا داشته باشد. بنابراین تلاش هر مکتب و تفکر بر این است که به بهترین شکل ممکن، به نیازهای بشر معاصر پاسخی مناسب که شایسته مقتضیات زمان است ارائه دهد؛ لکن با عنایت به اینکه پاسخ شایسته، مقید و منوط به شناخت درست و استوار انسان و حاجات اوست و این معرفت از توان مکاتب و اندیشه‌هایی که از وحی منقطع بوده و به‌طور کامل منبعث از خرد بشری می‌باشند با توجه به نقصان علم بشری خارج است، در اکثر موارد، راهکارها و راهبردهای ارائه‌شده، برون‌داد قابل توجهی نداشته و با موفقیت قرین نشده و لذا همواره مکاتب نو، با ادعاهای جدید ظاهر می‌شوند؛ تا زمانی که، دوران آن‌ها سرآمده و به‌تدریج با افول مواجه شده و از بین بروند. با توجه به مطالب مزبور، جایگاه شریعت در پاسخ‌دهی به نیازهای آدمیان، از اهمیت بسیاری برخوردار است؛ چه اینکه آدمیزاد توسط خداوند خلق شده و پروردگار حکیم و متعال، بهتر از هر موجودی به ساحت وجودی انسان آگاهی و وقوف داشته و بالمآل بهترین شیوه‌ی پاسخگویی به نیازهای انسان نیز در محدوده‌ی دانش بی‌کران وی قرار می‌گیرد.

با عنایت به مطالب فوق باید گفت آیین مبین اسلام به جهت وجود آموزه‌های چشمگیر در حیطه‌های متنوع زندگی انسان از یک‌سو و تلاش‌های دین‌داران و متشرعان برای تحقق بخشیدن به جامعه‌ی دینی از سوی دیگر، همواره از بهترین گزینه‌ها برای تحقق و عینیت بخشیدن به تمدن مرفعی که متضمن سعادت و پیشرفت بشر باشد می‌تواند تلقی شود. در این راستا دانش فقه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ چه اینکه علم فقه متکفل سامان بخشیدن به زندگی عملی مسلمانان به شمار می‌آید. لذا شناخت ماهیت فقه تمدن‌ساز و همچنین تبیین جایگاه آن ضروری

بوده و شناخت مؤلفه‌های آن، افزون بر تأمین نیازهای علمی، دارای ثمرات و فواید عملی نیز خواهد بود؛ زیرا با توجه به تئوری جهانی‌سازی مکاتب و کشورهای غربی و تلاش این مکاتب و کشورها برای استیلای تمدنی بر جوامع اسلامی، یگانه راهبرد مطمئن در برابر چنین حمله و سیطره‌ای، شناسایی و تبیین مؤلفه‌های اسلام تمدنی و بالأخص فقه تمدن‌ساز می‌باشد.

بنابراین، از یک‌سو تبیین مؤلفه‌های فقه تمدن‌ساز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و از دیگر سوی با عنایت به این مهم که مقام معظم رهبری به‌منزله‌ی رهبر حکیم جامعه، با تأسی به آموزه‌های دینی و خاصه آموزه‌های فقه مرقی امامیه، پیاده‌سازی تعالیم راهبردی شریعت را مدنظر قرار می‌دهند و نیز شناخت جامعی که ایشان از رهگذر مدیریت جامعه در طول سالیان و تجارب ارزشمندی که در این زمینه برخوردار می‌باشند، از مقتضیات و نیازهای زمان کسب نموده‌اند، تبیین مواضع و رویکرد معظم‌له، می‌تواند به‌مثابه‌ی الگویی درخشان پیش‌روی مدیران و مسئولان جامعه در جهت پیشبرد راهبردهای کلان نظام اسلامی قرار گیرد. ناگفته پیداست در دوره‌ی کنونی، تمدن مرقی اسلامی، به‌عنوان مهم‌ترین رقیب نظام لیبرالیستی در عرصه‌ی بین‌الملل مطرح بوده و ایران اسلامی، در مقابل گفتمان غرب، انقلاب اسلامی مبتنی بر فطرت توحیدی و نظریه ولایت فقیه را به جهانیان معرفی کرده است. در این بین شناساندن و معرفی دیدگاه مقام معظم رهبری به‌سان الگویی پیشتاز در این زمینه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا نقش پررنگ ایشان در تعمیق و توسعه نهضت از نخستین روزهای انقلاب تاکنون بر هیچ فرد منصفی پنهان نیست و از آنجاکه بدون شک حضور موفق در عرصه‌های تمدنی با وجود دشمنان متعدد داخلی و خارجی، بر اساس یک الگوی نظری و عملی منسجم ضروری است، لذا استخراج آرای رهبر انقلاب می‌تواند در این زمینه گره‌گشا باشد.

پژوهش حاضر مانند اغلب تحقیقات انجام‌شده در زمینه‌ی علوم اسلامی از نوع توصیفی-تحلیلی بوده و با رجوع به مستندات و منابع کتابخانه‌ای و مراجعه به بیانات و مکتوبات مقام معظم رهبری، از ابتدای زمامداری معظم‌له تاکنون، نگاشته شده است. همچنین از آنجاکه در تحقیقات اسلامی و دینی، پردازش و تحلیل اطلاعات جمع‌آوری‌شده، از مهم‌ترین و اساسی‌ترین بخش‌های پژوهش به‌شمار می‌آید، پژوهش فرارو سعی کرده است ضمن استخراج و احصای دقیق مواضع بحث از خلال بیانات و آثار مقام معظم رهبری، به این پرسش اساسی پاسخ دهد که مؤلفه‌ها و

مصادیق فقه تمدن‌ساز از نظر معظم‌له شامل چه مواردی شده و چه موضوعاتی را در بر می‌گیرد؟

۱. چارچوب مفهومی پژوهش

قبل از ورود به بحث شایسته است برخی از مفاهیم بنیادین پژوهش که در فهم مسئله مدخلیتی تام دارند موردبررسی قرار گیرند تا از این رهگذر شناخت جامع‌تری از موضوع جستار حاصل شود.

۱-۱. دانش فقه

اهل لغت، فقه را به معنای فهم ژرف و عمیق معنا کرده‌اند (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۳، ص ۵۲۲؛ طریحی، ۱۴۱۶، ج ۶، ۳۵۵). در اصطلاح نیز فقه را به دانش آگاهی یافتن و وقوف به احکام شرعی فرعی بر اساس منابع و مستندات چهارگانه آن، یعنی کتاب (قرآن)، سنت، اجماع و عقل تعریف نموده‌اند (علامه حلی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۳۱؛ شهید اول، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۴۰). شهید مطهری فقه را چنین تعریف می‌کند: «فهم ژرف و استنباط عمیق احکام و مقررات ناظر به زیست فردی و اجتماعی آحاد مسلمین از منابع و مستندات معین» (مطهری، ۱۳۸۱، ص ۳۱۱).

۲-۱. قلمرو دانش فقه

بحث از قلمرو دین، ازجمله مسائل نوپا در دین‌پژوهی معاصر به شمار می‌رود. در پاسخ بدین پرسش، به‌طورکلی دو دیدگاه متفاوت بروز کرده است. برخی از متفکران از موضع دینی به این مسئله پرداخته و گروهی، تبیینی سکولار از آن ارائه کرده‌اند. ۱. دیدگاه حداقلی: رویکرد حداقلی به دین، عمدتاً در بین روشنفکران و نواندیشان دینی رایج است. این گروه با محصور کردن کارکرد دین در سعادت اخروی، دخالت و حضور دین در ساحت اجتماع و امور سیاسی را نپذیرفته و به‌نوعی رویکردی تقلیل‌گرایانه در مسئله داشته‌اند (سروش، ۱۳۷۸، ص ۱۱۰؛ مجتهد شبستری، ۱۳۷۷، ص ۱۸). در مقابل، بسیاری از اندیشوران برجسته‌ی اسلامی دیدگاه مزبور را برنتابیده و در خلال آثار خود از همگرایی و همسویی دین و دنیا سخن به میان آورده و دیدگاهی جامع‌نگرانه در این باب اتخاذ نموده‌اند. از باب نمونه شهید مطهری معتقد است جامعیت و شمول آموزه‌های اسلام، وجه تمایز آن از سایر مکاتب و ادیان می‌باشد. وی اسلام را مکتبی جامع و واقع‌گرا می‌داند که به‌تمامی ابعاد زندگی بشری اعم از دنیوی و اخروی، جسمی و روحی، فردی و اجتماعی توجه

نموده است (مطهری، ۱۳۷۲، ص ۶۳). برخی دیگر از متفکران نیز اسلام را دین تمام زندگی معرفی کرده‌اند که دربرگیرنده‌ی تمامی ابعاد زندگی انسان بوده و هیچ موضوعی خارج از حوزه شمول و گستردگی آن نیست (نصر، ۱۳۸۲، ص ۲۱).

در مقام تحلیل و ارزیابی به نظر می‌رسد دیدگاه دوم صائب است؛ زیرا لازمه‌ی فطری بودن و خاتمیت دین اسلام، گستردگی و فراگیر بودن آموزه‌های دینی و ازجمله تعالیم فقه اسلامی نسبت به تمامی اعصار و در نتیجه قدرت پاسخگویی نسبت به تمامی نیازهای بشر در گستره‌ی حیات خویش است. در تایید این معنا می‌توان به آیات متعددی استشهد نمود. از باب نمونه از آیه همگانی بودن دعوت پیامبر اسلام: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ» (سبا/۲۸) و آیه اکمال دین: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ...» (مائده/۳) و آیه تبیین: «نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ» (نحل/۸۹) می‌توان چنین معنایی را برداشت نمود (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۴۲۷، ص ۷۷). علامه محمدتقی جعفری همسو با این معنا معتقد است: «استعداد ذاتی فقه می‌باشد که ناشی از اتکای آن به منابع دائم الجریان «قرآن، سنت، اجماع، عقل و قواعد برگرفته از آنها» با مفتوح بودن راه اجتهاد برای همیشه است. این منابع بدان خاطر که انسان شناخته‌شده را موضوع خود قرار می‌دهد همواره به‌دوراز کهنگی بوده و ابدیت را برای خود تضمین می‌نماید؛ بدین خاطر از صدر اسلام تاکنون هیچ موضوعی درباره‌ی مسائل مادی و معنوی بشری مطرح نشده است؛ مگر اینکه فقه شیعه قدرت پاسخ‌گویی آن را داشته و آن را بلا تکلیف رها نکرده است.» (تبریزی جعفری، ۱۴۱۸، ص ۱).

۳-۱. فقه تمدنی

واژه‌ی تمدن از ریشه‌ی «مدن» به معنای سکونت در منطقه‌ای خاص و شهرنشینی به‌کاررفته است (جوهری، ۱۴۱۰، ج ۶، ص ۲۲۰۱). اهل لغت گفته‌اند که لفظ مزبور دارای اصلی عربی «مقتبس از مدینه» بوده و به معنای سکونت در شهر و خوگرفتن به اخلاق و آداب مردم شهر به کار می‌رود (مصطفوی، ۱۳۸۵ش، ج ۱۱، ص ۵۵). در باب معنای اصلاحی تمدن نیز باید گفت اگرچه این اصطلاح از دیرباز با عناوینی از قبیل «الحضاره» در آثار اندیشمندان مسلمان وجود داشته است (ابن‌خلدون، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۷۲)؛ لکن تمدن در معنای امروزی «وجود سازمان و تشکیلات و نظم اجتماعی و پیشرفت و توسعه انسان» (آشوری، ۱۳۸۱، ص ۱۲۸)، مفهومی است که به مرور و از قرن هجدهم میلادی شکل گرفته است (ولایتی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۲۵).

با این تعریف از تمدن، معنای فقه تمدنی نیز تا حدودی آشکار می‌گردد؛ لذا می‌توان چنین اظهار داشت که فقه تمدنی رویکردی جامع‌نگر و مناسب با اقتضانات زندگی مدرن و تحولات زندگی بشری، به فقه و شریعت است. در همین زمینه مقام معظم رهبری معتقدند تمدن نوین اسلامی، به معنای توسعه و پیشرفت راهبردی در تمامی جوانب زندگی مسلمانان در دو بخش سخت‌افزاری و نرم‌افزاری می‌باشد. از نظر معظم‌له مقصود و هدف و فلسفه‌ی فقه تمدنی، ایجاد آرامش روانی (معنوی) برای جامعه اسلامی می‌باشد که این آرامش با پیشرفت مظاهر علمی و مادی نیز همراه خواهد بود (بیانات، ۱۳۷۹/۰۷/۱۴). ایشان معتقدند احکام فقهی را از دو جنبه می‌توان مورد مطالعه قرار داد: ۱. از حیث فردی و بدون توجه به اینکه فرد در چه نقطه‌ای از دنیا زندگی می‌کند. ۲. از حیث اجتماعی که گاهی همان حکم فقهی فردی را به‌عنوان ثانوی و بخشی از اداره جامعه می‌توان مورد مطالعه قرار داده و به نتایج متفاوت رسید (بیانات در جمع روحانیان، ۱۳۷۶/۰۲/۱۳).

در توضیح بیشتر باید گفت فقه رایج در حوزه‌های علمیه، بیشتر ناظر به احکام فردی و در مقیاس خرد بوده و به مسائل و موضوعات فقهی در مقیاس کلان، کمتر توجه نشان داده است؛ همچنین شاکله و ساختار چنین فقهی عمدتاً متناسب با زندگی فردی بوده و از باب نمونه یک برنامه‌نویس نخواهد توانست در سطح کلان، از رساله‌های توضیح المسائل موجود، برنامه‌ای مدون برای اداره‌ی امورات کشور تنظیم نماید؛ لذا اگر دینی دغدغه جهانی شدن داشته و قصد دادن برنامه برای بشریت در راستای زندگی متعالی را داشته باشد، بر اساس پیش‌فرض جامعیت دین، باید فرآیند تمدنی را در پیش گیرد. بنابراین اگر تمدن‌سازی و نظام‌سازی را به معنای ارتباط راهبردی اجزای مختلف با یکدیگر برای هدفی واحد در نظر بگیریم، در این صورت فقه تمدنی عبارت از بسیج اجزای مرتبط با یک سیستم (در اینجا میراث مکتوب فقهی) برای ایجاد یک جامعه متعالی و تنظیم بهینه‌ی زندگی اجتماعی خواهد بود.

بنابراین می‌توان اجتهاد و فقاقت تمدنی را تلاشی روشمند دانست که به کشف دیدگاه شریعت در باب چگونگی استنباط ساختارها و ویژگی‌های تمدن مطلوب می‌پردازد و به عبارتی فقه تمدنی بسترهای لازم را برای تحقق نظام اجتماعی در طراز جامعه اسلامی برای شکل‌گیری تمدن مطلوب فراهم می‌نماید (واسطی، ۱۳۹۹، ص ۱۰).

برخی از اندیشوران ضمن تعریف فقه تمدنی به طرحی جامع برای اجتهاد روشمند در سطح مدیریت کلان جامعه و امکان اداره امور اجتماعی با بهره‌گیری از ظرفیت‌های فقهی، چهار شاخصه و ویژگی مهم برای فقه تمدنی برشمرده‌اند: ۱. ادراک تمدنی از احکام اسلامی ۲. کشف نظریات فقهی در باب موضوعات کلان اجتماعی از قبیل اقتصاد، سیاست، اجتماع و... ۳. ایجاد بستر و ساختارهای همسو ۴. مدیریت و اصلاحات شبکه‌ای (علیدوست، ۱۳۹۹، ص ۸۸).

بنابراین می‌توان گفت رسالت فقه تمدنی امتداد احکام اجتماعی اسلام با هدف بسترسازی برای تمدن اسلامی بوده و برای نیل به این هدف از مقاصد و اهداف و اغراض شریعت در جهت تأمین مصالح اجتماعی و تمدنی استفاده می‌کند.

شاید اولین فقیهی که به نظام‌وارگی و شبکه‌ای دیدن آموزه‌های دینی در تقابل با نظام‌های اجتماعی جهان جدید، تفتن یافته و در مواجهه با نظام‌های جدید که عمدتاً بر پایه‌های غیردینی بنا نهاده شده بودند، بر اسلام تمدنی و تحقق عملی معارف دینی در سطح زندگی واقعی تأکید نمود، شهید صدر می‌باشد که به‌خوبی نشان داد موضوعاتی که فقیه در مورد آنها به اجتهاد می‌پردازد، در ارتباط و نسبت با روابط حاکم بر مجموعه، معنادار شده و لذا فقیه باید موضوعات فقهی را در نظام‌واره احکام اسلامی ادراک نموده و به عبارتی بینش جامع‌نگر داشته و تعالیم شریعت را در پرتو چنین فهمی، تفسیر نماید؛ چه‌اینکه نگاه جزیره‌ای و ادراک پراکنده از احکام شریعت، موجب غفلت از حکمت‌های کلان موجود در تعالیم شریعت خواهد شد (صدر، ۱۴۰۲، ص ۲۰).

۲. پیشینه‌ی پژوهش

حسب تتبع نگارنده، پژوهش‌های زیر که به‌نوعی جزو سوابق موضوع موردبحث می‌باشند، به رشته‌ی تحریر درآمده‌اند:

۱. مقاله «نقد انگاره اسلام رحمانی به‌مثابه‌ی چالش فقه تمدنی با تأکید بر آرای امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)» (کارشناس و دیگران، ۱۴۰۱، صص ۹۴-۶۵)، کوشیده است نشان دهد که «انگاره اسلام رحمانی»، نگرشی تک‌جانبه و گزینشی از اسلام ارائه می‌نماید؛ به‌نحوی که اسلام را از بن‌مایه‌های اصیل آن مانند جهاد، امر به معروف و... تهی می‌سازد؛ همچنین نویسنده درصدد اثبات این امر برآمده است که فقه تمدنی، نگاهی کلان و جامع به

مسائل داشته و هنگام صدور حکم، چنین مسئله‌ای را مبنای عمل قرار می‌دهد. نویسنده راهکار مقابله با اسلام آمریکایی را عمل به فرامین ولایت و پیروی از آن می‌داند.

۲. «مبانی و قواعد فقهی حاکم بر عقلانیت و همگرایی مسلمانان در تمدن نوین اسلامی» (فلاح تفتی، ۱۴۰۱، ص ۱۹۴-۱۵۵)، مقاله‌ای است که درصدد تبیین مبانی فقهی خردگرایی و همگرایی مسلمانان در تکوین تمدن نوین اسلامی برآمده است. نویسنده مبانی فقهی مسأله مزبور را در آموزه‌هایی از قبیل فطرت توحیدی و نظام ولایی دانسته و از قواعد فقهی نیز به قاعده احترام، وحدت و عدالت و اموری از این دست استناد جسته است.

۳. «نقش مبانی فقه تمدن‌ساز اسلامی در ایجاد وحدت امت بر اساس منظومه فکری مقام معظم رهبری» (کارشناس، ۱۳۹۹، صص ۱۲۸-۱۱۲)، دیگر مقاله‌ای است که در راستای بحث حاضر، به تبیین مبانی فقه تمدن‌ساز پرداخته و مانند مقاله فوق‌الذکر، چنین نتیجه گرفته است که فقه تمدنی، مبتنی بر یک سری مبانی سامان‌یافته است که از جمله می‌توان به فطرت توحیدی، عقلانیت، جامعیت دین، نظام ولایی و... اشاره کرد. وجه همت نویسنده عمدتاً تلاش برای اثبات رابطه میان مبانی فقه تمدن‌ساز اسلامی و ایجاد وحدت امت اسلامی می‌باشد.

۴. «مهندسی تمدن اسلامی از نگاه حکیم تمدن آیت‌الله خامنه‌ای» (جمالی، ۱۴۰۱، صص ۱۱۲-۹۱)، کوشیده است نشان دهد که در نگاه مقام معظم رهبری، مهندسی تمدن اسلامی در دو حوزه زیرساختی و سبک زندگی باید دنبال شود. زیرساخت نرم‌افزاری مهندسی مربوط به نرم‌افزارهای دینی و علمی بوده و سبک زندگی در حوزه فردی، اجتماعی و خانوادگی است. از نظر نویسنده مهم‌ترین چالش تمدن‌سازی در عصر انقلاب اسلامی، عبور هوشمندانه از تمدن مادی دنیای امروز (غرب) است.

۵. «اجتهاد تمدنی؛ منطق فهم دین در مقیاس تمدن سازانه» (واسطی، ۱۳۹۹، صص ۳۲-۷)، درصدد دستیابی به روشی مبتنی بر فقه جواهری، برای کشف نظر شریعت درباره‌ی فرایندهای لازم در تشکیل یک تمدن است. مقاله مزبور پس از توضیح مفاهیم تمدن و اجتهاد، به چستی اجتهاد تمدنی پرداخته و وجه تمایز آن با عناوین مشابه از قبیل فقه حکومتی و فقه نظام را تبیین نموده است.

جستار حاضر ضمن ارج نهادن به پژوهش‌های مزبور، نوآوری و وجه افتراق مقاله‌ی خود را در این مهم می‌داند که تاکنون هیچ مقاله‌ای به تبیین مؤلفه‌ها و مصادیق فقه تمدنی در آرای مقام

معظم رهبری نپرداخته است. توضیح آنکه اگرچه برخی از مقالات فوق، مبانی فقهی ناظر به بحث از قبیل فطرت توحیدی و نظام ولایی را استخراج کرده‌اند؛ لکن در نوشتار حاضر اصولاً سخن از شناسایی مبانی بحث به‌مثابه‌ی پیش‌فرض‌ها و مبادی ورود به مسئله در میان نبوده و نویسنده به‌صورت عینی و ملموس، مصادیق و مؤلفه‌های ناظر به فقه تمدنی را به‌نحوی که در بستر جامعه امکان اجرا و تحقق داشته باشند را مورد مطالعه قرار داده است. مقاله‌ی حاضر وجوه فقه تمدنی را از منظر مقام معظم رهبری از قبیل حقوق شهروندان غیرمسلمان در منظومه فقه تمدنی، حقوق اهل سنت، نقش فقه‌های مضاف در شکل‌گیری نظام تمدنی و... را مورد خوانش قرار داده است که تاکنون در تتبعات صورت گرفته سابقه نداشته و تا حد زیادی در مقالات مزبور مغفول واقع شده و از باب نمونه در برخی از مقالات فوق‌الذکر با رویکردی خاص مانند تبیین آرای معظم‌له از حیث چیستی و نقد اسلام رحمانی یا ناظر به وحدت مسلمانان آرای ایشان مورد بررسی قرار گرفته است؛ لذا مقاله‌ی حاضر همان‌گونه که در ادامه خواهد آمد در موضوع خود از مطالب نو و بدون سابقه بهره گرفته و با کاوش عمیق در آرای گران‌سنگ مقام معظم رهبری رهاورد پژوهش خود را فرایند محققان قرار داده است.

۳. روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع بنیادی بوده و با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی انجام گرفته است. جمع‌آوری داده‌ها به روش کتابخانه‌ای صورت گرفته است و نگارندگان پس از تبیین مفهوم اصلی بحث، مستندات موجود در ارتباط با موضوع مقاله را مورد تبیین و شناسایی قرار داده و سپس به تحلیل ادله پرداخته‌اند.

۴. یافته‌های پژوهش

از تأمل در بیانات مقام معظم رهبری و مطالعه‌ی برخی از کتب ایشان از قبیل اجوبه‌الاستفتائات، می‌توان محورهای فقه تمدنی موجود در سیره‌ی ایشان را حول محورهای ذیل تعریف نمود:

۴-۱. حقوق شهروندان غیرمسلمان

۴-۱-۱. دیه‌ی اهل کتاب

یکی از مسائلی که در دوران جدید اهمیت شایانی یافته است برخورد و تعامل با غیرمسلمانان است که در ادبیات فقه شیعه عمدتاً به اهل کتاب شناخته می‌شوند. بر کسی پوشیده نیست که نگاه تمدنی و جامع به مسئله‌ی شهروندان غیرمسلمان می‌تواند در تألیف قلوب ایشان بسیار اثرگذار باشد. البته باید پذیرفت که در اعصار گذشته فقیهان عمدتاً دل‌مشغول مباحث فردی فقه بوده‌اند؛ لکن این مسئله به این معنا نیست که اگر بخواهیم وارد عرصه فقه تمدنی بشویم با مشکل مواجه خواهیم گردید؛ چه اینکه می‌توان آموزه‌های گوناگونی را از این حیث استخراج نمود. البته شایان‌ذکر است که ممکن است در یک سطح، احکام شرعی به‌عنوان قواعد اولیه در میراث فقهی بررسی شده باشد، اما هنگامی که بحث مصالح و اقتضائات ثانوی و بین‌المللی مطرح می‌شود؛ می‌توان و می‌بایست در آن سطح با نگاه جدیدی در مسئله ورود کرد؛ زیرا این احتمال وجود دارد که در مباحث جزئی و شخصی فتوایی لحاظ شود؛ اما اگر در پرتو فقه تمدنی، بحث پیگیری شود می‌توان به نتایج دیگری دست یافت.

مقام معظم رهبری از جمله فقیهانی است که به مسئله‌ی مزبور نگاه تمدنی داشته و این نظرگاه ایشان جلوه‌ها و بروزهای گوناگون یافته است. از باب نمونه قانون مجازات اسلامی در ماده ۵۵۴ مطابق دیدگاه ایشان مقرر داشته است: «بر اساس نظر حکومتی مقام رهبری، دیه جنایت بر اقلیت‌های دینی شناخته‌شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به اندازه دیه مسلمان تعیین می‌گردد»^۱.

ناگفته پیداست تصویب برابری دیه مسلمانان با اقلیت‌های مذهبی با واکنش مثبت نمایندگان اقلیت‌های دینی در کشور مواجه شده و تأثیر عمیق و به‌سزایی در تثبیت شرایط اقلیت‌های دینی در

۱. شایسته ذکر است که تمامی مذاهب اسلامی بر اصل وجوب پرداخت دیه در مورد قتل اهل کتاب اتفاق نظر دارند (قرطبی، ۱۴۰۵، ج ۵، ص ۳۲۵؛ ابن‌قدامة، بی‌تا، ج ۹، ص ۵۲۷)؛ لکن در باب میزان دیه ایشان بین فقیهان مذاهب گوناگون اختلاف نظر وجود دارد. در این زمینه مشهور فقیهان امامیه معتقدند مقدار دیه اهل کتاب هشتصد درهم می‌باشد (علم‌الهدی، ۱۴۱۵، ص ۲۳۰؛ طوسی، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۲۶۳؛ ابن‌زهره، ۱۴۱۷، ص ۴۱۴؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۳، ص ۳۸).

ایران خواهد داشت. همچنین با اعمال این قانون، اقلیت‌های دینی از امنیت بیشتری برخوردار خواهند شد و بهتر می‌توانند به وظایف شهروندی خود عمل کنند و این امر در بهبود جایگاه بین‌المللی ایران در زمینه حقوق بشر نیز اهمیت بسزایی دارد.

باید اذعان داشت نگاه تمدنی به فقه کاملاً با دیدگاه داهیانیه‌ی مقام معظم رهبری همسو می‌باشد؛ چه‌اینکه تمدن‌ها و شیوه‌های حیات بشری به‌طور مستمر در حال تغییر است و شریعت مترقی اسلام نیز باید در درون خود مجهز به مؤلفه‌ها و ساختارهایی باشد که بتواند از عهده‌ی پاسخ به نیازها و چالش‌های روز برآید و این مهم در فتوای تاریخی اخیر به‌خوبی مشاهده می‌شود.

۴-۱-۲. تعمیم مصادیق اهل کتاب

علیرغم اینکه در باب مصادیق اهل کتاب میان اندیشوران مسلمان اختلاف نظر وجود دارد و عمدتاً یهودیان و مسیحیان از مصادیق برجسته و قطعی اهل کتاب در فرهنگ اسلامی به شمار می‌روند (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۱، ص ۲۲۸؛ طباطبایی حائری، ۱۴۱۸، ج ۷، ص ۴۶۸)؛ لکن مقام معظم رهبری در این زمینه با نگاه وسیعی به مسئله نگرسته‌اند. ایشان در پاسخ به استفتایی در باب اینکه مقصود از اهل کتاب چه کسانی هستند، چنین فتوا می‌دهند: «مقصود از اهل کتاب هرکسی است که اعتقاد به یکی از ادیان الهی داشته و خود را پیروی از پیامبران الهی (علیهم‌السلام) بدانند... مانند یهود، نصاری، زرتشتی‌ها و همچنین طبق تحقیقات ما صابئین از اهل کتاب هستند. معاشرت با پیروان این ادیان با رعایت ضوابط و اخلاق اسلامی فاقد اشکال است» (خامنه‌ای، ۱۳۸۸، ص ۹۸).

۴-۱-۳. طهارت اهل کتاب

یکی از موضوعات مهم فقهی که می‌تواند در اذهان غیرمسلمانان تأثیر به‌سزایی داشته باشد و از حیث مسائل فقه تمدنی نیز چالش‌برانگیز تلقی گردد، مسئله طهارت و نجاست اهل کتاب است. در این زمینه بسیاری از فقهای امامیه معتقد به نجاست اهل کتاب هستند. این گروه در اثبات مدعای خود، به برخی از آیات قرآن، روایات وارد در مسئله و نیز برپایی اجماع استدلال کرده‌اند (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۴۲؛ محقق اصفهانی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۴۰۰).

در مسئله‌ی مزبور نیز مقام معظم رهبری از جمله فقیهانی است که دارای دیدگاه متفاوت

می‌باشند. ایشان در پاسخ به این پرسش که: «بعضی از فقها اعتقاد به نجاست اهل کتاب دارند و بعضی دیگر به طهارت آنها (اعتقاد دارند)، رأی جنابعالی چیست؟». چنین اظهار داشته‌اند: «نجاست ذاتی اهل کتاب معلوم نیست. به نظر ما آنها محکوم به طهارت ذاتی هستند» (خامنه‌ای، ۱۳۸۸، ص ۹۷).

البته در این زمینه بسیاری از فقیهان معاصر نیز با آیت‌الله خامنه‌ای هم‌رأی هستند. به‌عنوان نمونه آیت‌الله جوادی آملی در این زمینه معتقد است که اهل کتاب ذاتاً پاک هستند و اگر بر اثر آلوده شدن به چیزهای نجس (مثل شراب) متنجس شوند با تطهیر پاک می‌شوند. همچنین خوردن غذاهای آن‌ها مثل ماهی و هر غذایی که محتاج به ذبح نباشد جایز است (جوادی آملی، ۱۳۹۲، ص ۲۲۱؛ همچنین رک: خوانساری، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۲۰۱؛ حکیم، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۳۷۳).

در تحلیل این دیدگاه مترقی می‌توان گفت با ملاحظه‌ی این مهم که مطابق آموزه‌های امامیه احکام شرعی بر اساس مصالح و مفاسد واقعی و نفس‌الامری تشریح می‌شوند و در روزگار کنونی با تغییر بسیاری از موضوعاتی که به‌نوعی به اهل کتاب ارتباط دارد و نیز عدم وجود شرایط سابق، احکام مترتب بر آنها نیز می‌تواند مطابق فقه پویای شیعه دستخوش تغییر گردد، همچنین با در نظر گرفتن مصالح بین‌المللی و وجود کنوانسیون‌های فراملی، ممکن است از وجود برخی از احکام، شائبه تخفیف و توهین پیروان سایر ادیان استشمام شود، لذا با در نظر گرفتن اقتضانات فقه تمدنی و نیز ضرورت زندگی مسالمت‌آمیز با اهل کتاب، می‌توان با نگاهی نوین در حوزه احکام مربوط به اهل کتاب وارد شده و در این زمینه تجدیدنظر نمود.

۲-۴. حقوق اقلیت‌های مذهبی

ابتدائاً باید گفت تقریباً در تمام جوامع بشری، نوعی از مذهب و آیین به شکل غالب وجود دارد و افرادی که مرام و مسلکی متمایز از جمعیت غالب دارند را اقلیت می‌نامند. البته بحث درباره‌ی مفهوم اقلیت، بحثی گسترده است که از حوصله‌ی این نوشتار خارج است. در میان اقلیت‌ها آنچه در اینجا موردنظر است، اقلیت‌های مذهبی است. در حقوق جمهوری اسلامی ایران، ذیل اصول ۱۱ تا ۱۴ قانون اساسی به حقوق اقلیت‌ها اشاره شده است. نگاه کلی و برآیند نگرشی که از این اصول و سایر اصول قانون اساسی به دست می‌آید این است که قانون‌گذار به حقوق اقلیت اهتمام داشته و خود را ملزم به رعایت آن می‌داند. البته در این میان، برخی از اقلیت‌ها را به

رسمیت شناخته که این اقلیت‌ها از امتیازات ویژه‌تری برخوردارند.^۱ بنابراین طبق قانون، صرف داشتن یک عقیده مذهبی، مانع از بهره‌مندی افراد از حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی نخواهد بود و قانون اساسی این حقوق را به رسمیت شناخته است. به‌عنوان مثال آنجا که قانون اساسی سخن از امنیت قضایی و حمایت قانون از همه‌ی مردم می‌زند، هیچ سخنی از محرومیت اقلیت‌ها، ولو اقلیت‌های غیررسمی در ایران به میان نمی‌آورد. بنابراین ایشان نیز مورد حمایت قانون خواهند بود. پس از این مقدمه باید اذعان داشت که در خلال بیانات و سخنان مقام معظم رهبری، توجه و تأکید ویژه به حقوق اقلیت‌ها به‌وفور قابل مشاهده است که در ادامه صرفاً به دو محور از این موارد اشاره خواهد شد که با گفتمان فقه تمدنی ملائمت و همخوانی تام دارند.

۴-۲-۱. حرمت اهانت به مقدسات اهل سنت

بر کسی پوشیده نیست که امروزه جهان اسلام، بیش از هر زمان دیگری نیازمند وحدت و انسجام است و عنایت ویژه به این امر در نگاه تمدنی به فقه، اهمیت مضاعفی می‌یابد. خداوند در قرآن گوشزد نموده است که مسلمانان باید به ریسمان الهی چنگ بزنند و از تفرقه پرهیز کنند (آل عمران/ ۱۰۳)؛ چراکه تفرقه عامل تسلط دشمن بر مسلمانان شده و آنها را شکست خواهد داد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با عنایت و تفتن ویژه به این امر که از فراست فقیهانه و نگاه همه‌جانبه نگر ایشان نشئت می‌گیرد در پاسخ به استفتای علمای شیعه منطقه احساء عربستان درباره‌ی اهانت به عایشه همسر پیامبر، در هشتم مهر ۱۳۸۹ شمسی چنین فتوا دادند: «اهانت به نمادهای برادران اهل سنت، از جمله اتهام‌زنی به همسر پیامبر اسلام (ع)، عایشه حرام است. این موضوع شامل زنان همه‌ی

.....
۱. اصل دوازدهم قانون اساسی در این زمینه مقرر می‌دارد: «دین رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری اثنی‌عشری است و این اصل الی‌الابد غیرقابل تغییر است و مذاهب دیگر اسلامی اعم از حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی دارای احترام کامل می‌باشند و پیروان این مذاهب در انجام مراسم مذهبی، طبق فقه خودشان آزادند و در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصیه (ازدواج، طلاق، ارث و وصیت) و دعاوی مربوط به آن در دادگاه‌ها رسمیت دارند و در هر منطقه‌ای که پیروان هر یک از این مذاهب اکثریت داشته باشند، مقررات محلی در حدود اختیارات شوراها بر طبق آن مذهب خواهد بود، با حفظ حقوق پیروان سایر مذاهب».

پیامبران و به‌ویژه سیدالانبیاء پیامبر اعظم حضرت محمد (ص) می‌شود» (خبرگزاری فارس، ۱۳۸۹/۷/۲۰).^۱

پس از صدور این فتوای درخشان، شخصیت‌های مختلف جهان اسلام زبان به تحسین آن گشودند. افراد گوناگون از کشورهای اسلامی نیز به این فتوای درخشان واکنش مثبت نشان دادند. از باب نمونه یکی از شیوخ دانشگاه الازهر، ضمن بیانیه‌ای، صدور چنین فتوای ممتازی را موجب ناامیدی دشمنان اسلام و ایجاد وحدت در اردوگاه مسلمانان دانست. شخصیت‌های مذهبی لبنان نیز چنین فتوایی را موجب درهم شکستن توطئه‌ی دشمنان دانستند. در چهارمین نشست تقریب که توسط مرکز اسلامی انگلستان در لندن برگزار شد نیز حاضران در جلسه، در بیانیه‌ی انتهایی خود فتوای درخشان مقام معظم رهبری را ستودند. همچنین نمایندگان اهل سنت ایران که در مجلس شورای اسلامی حضور دارند نیز ضمن اعلامیه‌ای وجود چنین فتوایی را مایه‌ی دلگرمی خود دانستند. علمای سنی مذهب استان گلستان نیز سد راه فتنه‌گری دشمنان قسم‌خورده اسلام دانستند.^۲

۴-۲-۲. حرمت غیبت مخالفان مذهبی

یکی از مسائل چالش‌برانگیزی که در فضای جدید پدیدار شده و سبب بروز پاره‌ای از سؤالات گشته است، میزان تکریم و بزرگداشت شریعت و خاصه مذهب شیعه نسبت به دگراندیشان مذهبی است. سبب بروز چنین مسائلی، وجود فتاوایی در میراث مکتوب فقهی است که گاه موافقت مشهور فقیهان را نیز به همراه دارد. از باب نمونه یکی از آرای چالشی که در بسیاری از کتب فقهی مشاهده می‌شود، جواز غیبت افرادی است که مذهبی غیر از مذهب امامیه دارند (ر.ک: نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۲، ص ۶۳؛ عاملی، ۱۴۱۹، ج ۱۲، ص ۲۱۵؛ بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۱۸، ص ۱۵۵). ناگفته پیداست که وجود چنین فتاوایی با اقتضائات فقه تمدنی سازگار نمی‌باشد. لذا در این مسئله نیز نظر مقام معظم رهبری با دیدگاه مشهور فقیهان تفاوت دارد. در تحلیل دیدگاه ایشان باید گفت معظم‌له در تعریف غیبت، برخلاف مشهور فقیهان، موضوع حرمت را روی عنوان «مسلم» برده‌اند: «غیبت آن است که پشت سر «مسلمان» عیب مستور او (امری که مستور عرفی است) گفته شود؛

۱. موجود در لینک زیر: «<https://www.farsnews.ir/news/8907191487>».

۲. برای دیدن مشروح نظرات (قابل دسترس در): ویکی شیعه: «فتوای حرمت اهانت به مقدسات اهل سنت».

مشروط به اینکه به قصد تنقیص باشد؛ یا در نزد عرف تنقیص به حساب آید.^۱

در توضیح بیشتر مطلب باید گفت شمار چشمگیری از فقها، در حرمت غیبت، وجود صفت «ایمان» را در شخص مغتاب لازم دانسته‌اند (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۲، ص ۶۳؛ مجاهد طباطبایی، بی‌تا، ۲۵۹؛ انصاری، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۳۱۹). بدین ترتیب، غیبت افراد غیر مؤمن از نظر ایشان مجاز شمرده می‌شود. مقصود از معنای اصطلاحی مؤمن نیز شیعه دوازده امامی بودن فرد است. از باب نمونه محقق خویی مؤمن را به: «من آمن بالله و برسوله و بالمعاد و بالأئمه الاثنی عشر (علیهم السلام)» تعریف می‌کند (خویی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۲۳).^۲

آشکار است که در شرایط کنونی جامعه که افراد گوناگون با عقاید مختلف در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند، وجود چنین فتاوایی با غایات فقه تمدنی سازگار نبوده و مصلحت حفظ دین که از مقاصد اساسی شریعت است را متزلزل کرده و یکی از بنیادی‌ترین سرمایه‌های اجتماعی را که عبارت از همزیستی مسالمت‌آمیز است به تاراج می‌برد و بنیان‌های اعتماد را که اولین شرط روابط اجتماعی است نابود می‌سازد. افزون بر آنکه تجویز چنین امری در بسیاری از موارد موجب دامن زدن به آتش فتنه و گسترش عداوت و کینه در میان افراد می‌گردد؛ زیرا عیوب پنهانی افراد ممکن است تماس با حقوق دیگران داشته باشد و یا لاف‌ل دستاویزی به دست افراد ماجراجو برای انتقام گرفتن و بر باد دادن حیثیت یکدیگر بدهد و همین امر موجب ایجاد خصومت یا تشدید آن گردد؛

۱. ر.ک: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری (www.leader.ir)، قسمت **استفتانات**، لینک پرسش‌های متداول، بخش مسائل فرهنگی و اجتماعی، تعریف غیبت. شایان توجه است که برخی از شاگردان معظم‌له که در درس خارج ایشان حضور می‌یابند بر این امر صحه نهاده‌اند؛ از باب نمونه حجت‌الاسلام احمد خزایی، رئیس مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، در ضمن مصاحبه‌ای با سایت مشرق نیوز (www.mashregnews.ir) در این باره چنین می‌گویند: «در بحث غیبت، اکثر فقها و علما معتقد هستند که غیبت شیعه اثنا عشری فقط حرمت دارد؛ اما ایشان (مقام معظم رهبری) معتقد هستند که غیبت مطلق مسلمانان و حتی اهل سنت هم ایراد دارد».

۲. مشارالیه در کتب فتوایی خود «منهاج الصالحین» نیز حرمت غیبت را به مؤمن اصطلاحی اختصاص می‌دهد. متن استفتا: «هل يجوز غيبة المخالف؟ و المؤمن في منهاج الصالحين بالمعنى العام (الاسلام) أو الخاص و هو الولاية لأهل العصمة؟». «الخوئي: نعم تجوز غيبة المخالف والمراد من المؤمن الذي لا تجوز غيبته المؤمن بالمعنى الخاص» (خویی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۹).

به علاوه چون غیبت از یک سلسله انگیزه‌های زشت اخلاقی سرچشمه می‌گیرد، تکرار آن موجب تقویت و تحکیم آن صفات مذموم در انسان می‌شود؛ به این ترتیب غیبت هم فرد را از نظر ارزش‌های انسانی تنزل می‌دهد و هم پایه‌های اجتماعی را سست و متزلزل می‌سازد (رک: مکارم شیرازی، ۱۳۸۶ش، صص ۱۰۶-۱۰۴).

۴-۳. توجه به عنصر زمان و مکان

بر کسی پوشیده نیست که در دنیای جدید و در تعامل فرهنگ‌ها و مکاتب گوناگون، آن مکتب و تفکری از موفقیت برخوردار خواهد بود که قادر باشد خود را با نیازهای روز هماهنگ سازد. چه اینکه بی‌تردید از جمله خصوصیات دوره کنونی، توسعه و گسترش روزافزون شیوه‌های بهره‌مندی از وسایل و ابزار نوین است که آدمیان را در تطبیق با مکانیزم دنیای جدید، دچار بحران نموده است. در دنیای جدید دایره‌ی تعاملات انسان‌ها بسیار گسترش یافته و ایجاد دهکده جهانی و همچنین جهانی‌سازی تمامی شئون زندگی بشر از قبیل اقتصاد، فرهنگ، سیاست و... دانشوران جوامع بشری را همواره به یافتن راه‌حل مناسب فرامی‌خواند؛ در این بین دغدغه‌ی پاسداری از ارزش‌های دینی و ملی نیز اهمیت مسئله را دوچندان می‌کند. لازمه‌ی غلبه بر مسئله مزبور، تدوین قوانین راهبردی و کارآمد می‌باشد که انسان را در گستره تعاملات خویش اعم از اجتماعی و فردی، توانمند ساخته و وی را بر حل مشکلات خود قادر سازد. بخش اعظمی از این مسئولیت، بر دوش فقهای است که نگاه جامع و کلان به مشکلات و مسائل دنیای جدید داشته و فتاوی خود را با توجه خاص به شرایط جدید با نیازهای روز منطبق نمایند.

شهید مطهری از جمله متفکران برجسته‌ای است که با درک عمیق مسئله، به ابعاد بحث مزبور توجه ویژه داشته است. وی معتقد است در روزگار جدید دو مسئله باید توأمان مطرح نظر قرار گیرد: ۱. حفظ شریعت اسلام ۲. پذیرش تحول و توسعه تمدن و دنیای مدرن (مطهری، ۱۳۸۰، ص ۳۴). ایشان معتقد است اسلام به جهت قابلیت‌های درونی خود به خوبی قادر است با پیشرفت‌های زمان هماهنگ باشد؛ زیرا قوانینی که خالق انسان برای انسان‌ها در نظر گرفته است، منطبق با قانون الهی بوده و همان‌گونه که در قانون ممکن است بنا به ملاحظات تحول و تطور صورت گیرد، سیستم قانونگذاری اسلام نیز توانایی ایجاد تحول و پویایی را خواهد داشت (مطهری، ۱۳۸۰، ص ۵۰).

امام خمینی (ره) در زمره‌ی فقهای آگاه به زمانی است که ضمن توجه خاص به مسئله، باب اجتهاد را همواره مفتوح می‌داند و معتقدند اگر موضوعی در اعصار ماضی فاقد سابقه بوده یا اینکه تغییراتی در شیوه‌ی زندگی انسان‌ها به وجود آمده باشد، فقهای مسلمان باید تدبیری برای این امور بیندیشند (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۹، ص ۳۸۹).

مقام معظم رهبری نیز به تاسی از امام راحل، این مسئله‌ی مهم را مورد تأکید قرار داده‌اند. از باب نمونه ایشان یکی از شرایط و خصیصه‌های مجتهد اعلم را، آگاهی به تحولات زمان می‌دانند: «ملاک الأعلمیة... معرفته باوضاع زمانه...» (خامنه‌ای، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۹). همچنین ایشان در پیامی که به کنگره «زمان و مکان در اجتهاد»، ارسال نموده‌اند، بر این امر تأکید داشته‌اند که: «در باب مسئله‌ی زمان و مکان و نقش و تأثیر آن در استنباط احکام اسلامی، کتبه سخن آن است که این سرچشمه مبارک اگر به درستی شناخته و به کار گرفته شود، پشتوانه‌ای عظیم برای بهره‌مندی جوامع بشری از کوثر شریعت اسلامی پدید خواهد آورد» (پیام به کنگره زمان و مکان در اجتهاد، ۱۳۷۴/۱۲/۲۴). معظم‌له در همین پیام گوشزد می‌کنند که زمان و مکان و احوال مختلف حیات بشر، به فرد فقیه آگاه به زمان و دین‌شناس و دانشمند، یاری می‌رساند که خود و مردمان زمان خود را از چشمه‌ی جوشان معارف الهی سیراب کرده و محرومیت جوامع بشری را از این گوهر درخشان برنتابد (همان).

۴-۴. ایجاد فقه‌های مضاف

گسترده‌گی مسائل نوپدید در جامعه دینی و نیاز متدینان به احکام عملی در این عرصه‌ها از سویی و رسالت دانش فقه برای پاسخگویی به نیازهای روز و حرکت به سوی تمدن‌سازی از سوی دیگر، مستلزم توجه خاص به فقه‌های مضاف و تخصصی شدن مطالعات در زمینه‌ی موضوعات متنوع فقهی می‌باشد. در توضیح بیشتر مطلب باید گفت فقه و شریعت در روزگاران گذشته، با توجه به ساده بودن زندگی و عدم گسترده‌گی آن، عمدتاً ناظر به حوزه‌های زندگی فردی بود؛ اما زندگی در دوره کنونی تغییر و تحولی شگرف پیدا کرده و نظام‌های مختلفی بر زندگی انسان‌ها سایه افکنده است. نظام‌هایی مانند نظام اقتصادی، تربیتی، فرهنگی، سیاسی، شهرسازی و معماری و... که هرکدام از این‌ها خرده نظام‌های کوچک‌تری دارند. در این میان این سؤال مطرح است که آیا اسلام به‌عنوان یک آیین کامل برای نظام‌های مختلفی که زندگی ما با آن در ارتباط است تکلیفی

معین کرده است یا خیر. اگر در دوره‌های قدیم سؤال ما این بود که افراد چه وظایفی در برابر یکدیگر یا در برابر خداوند متعال دارند، امروز سؤال این‌گونه مطرح است که یک جامعه متمدن چه وظایفی را در برابر خداوند متعال و سایرین به دوش دارد؟ پاسخ این سؤالات در فقه تخصصی باید داده شود. به‌عنوان مثال باید به این سؤال پاسخ درخور داد که در حوزه فرهنگ چه تکالیفی بر دوش جامعه است و در پاسخ به این پرسش است که فقه مضاف ضرورت خود را نشان می‌دهد. شهید مطهری از متفکران برجسته‌ای است که در این زمینه به‌صراحت نظر خود را بیان نموده است. ایشان ضمن تأکید بر تخصصی شدن علوم، تقسیم وظایف را در حوزه فقه، سبب پیشرفت اجتهاد معرفی کرده و معتقدند باید میان مجتهدان تقسیم‌کار انجام شود؛ مثلاً برخی در زمینه عبادیات و گروهی در زمینه معاملات و پاره‌ای در مسائل سیاسی، کار تخصصی انجام دهند. ایشان عقیده دارند که احتیاج به تقسیم‌کار، از ضرورت‌های دوره‌ی اخیر است که خاصه از صدسال گذشته اهمیت شایانی یافته و در مواجهه با این امر فقها یا باید جلوی رشد فقه را بگیرند؛ یا اینکه به مطالعات تخصصی روی بیاورند و در هر صورت منفعل بودن در این زمینه موجب رکود و سرشکستگی شده و نمی‌توان انتظار ترقی و رفع مشکلات را داشت (مطهری، ۱۳۸۰، ص ۱۰۳).

مطابق با توضیحات فوق می‌توان گفت فقه مضاف یا فقه تخصصی، فقهی است که از فقه عام منشعب می‌شود و در آن سه تخصص لحاظ می‌گردد؛ تخصص موضوعی، تخصص روشی و تخصص ساختاری. البته همراه با این سه تخصص، یک «اختصاص» هم باید صورت بگیرد؛ اختصاص مجموعه‌ی مطالعات فقهی و گزاره‌های فقهی پیرامون یک موضوع، که این خصوصیت، فقه تخصصی را از فقه عام منشعب می‌کند. «تخصص موضوعی» به معنای ماهیت‌شناسی دقیق موضوع است و این مسأله به شکل علمی به دست خواهد آمد. مثلاً بحث آب‌ها، بحث زمین و... درون یک موضوع کلی به نام محیط‌زیست جای می‌گیرد و باید نسبت به آن موضوعات نیز یک نگاه تخصصی وجود داشته باشد. پس ماهیت‌شناسی موضوع کلان فقه تخصصی و ریز موضوعات ذیل آن موضوع کلان، امری ضروری است. تخصص دوم، «تخصص روشی» است. اصولاً فقه از یک روش برخوردار است که در فقه عام به کار گرفته می‌شود. البته روش فقه عام، اگرچه اسمش عام است، ولی یک فرآیند پیچیده است که فرد با مراجعه با ادله‌ی مختلف و با قواعد مختلفی که باید به‌کارگیرد، سعی در یافتن حکم می‌کند. البته خود روش‌شناسی فقهی انواعی نیز دارد؛ گاهی توصیفی است؛ به این معنی که فرد روش فقهای بزرگ را شناسایی و توصیف می‌کند و گاهی این

روش‌شناسی هنجاری است، یعنی فرد اظهارنظر اجتهادی می‌کند و مثلاً می‌گوید روش فلان فقیه درست است یا خیر. تخصص سوم عبارت از «تخصص ساختاری» است. ساختار به معنای شاکله است، زیرا ساختار است که مجال می‌دهد که گزاره‌هایی مسائل و موضوعاتش بررسی شود. به‌عنوان مثال اگر یک مسئله مستحده‌ای مربوط به یک موضوع تخصصی باشد، اصولاً باید شاخه آن را جدا کرد و اگر ساختار کار مشخص نباشد محقق در سردرگمی خواهد ماند. زیرا ساختار است که به فقه معنی می‌دهد و لذا باید رابطه‌ی معنایی موضوعات را بررسی کرد و ساختار را هم با توجه به تخصص‌های علمی ایجاد کرد و به کار بست (مبلغی، احمد، مصاحبه با سایت مقام معظم رهبری، موجود در آدرس: <https://khl.ink/f/42703>).

مقام معظم رهبری نیز از جمله اندیشوران ممتازی می‌باشند که به مسئله‌ی مزبور عنایت خاص داشته‌اند. ایشان در این زمینه می‌فرمایند: «ما در زمینه‌ی علوم اسلامی هم باید پیشرفت پیدا کنیم. ما در زمینه‌ی فقه نیاز داریم به اینکه نگاه نویی را به مسائل فقهی مطرح کنیم. آنچه آقایان اشاره کردند - فقه‌های تخصصی - در این جهت است. در بخش‌های مختلف اداره‌ی کشور و اداره‌ی جوامع بشری، فقه می‌تواند حرف تازه داشته باشد، فقه اسلام می‌تواند حرف نویی را ارائه کند و مطرح کند؛ باید در این زمینه‌ها کار کنیم؛ این کار فقه است (بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در کنگره «نقش شیعه در پیدایش و گسترش علوم اسلامی»، ۱۳۹۷/۲/۲۲).

همچنین رهبر معظم انقلاب در جمعی دیگر، ضمن تأکید بر این مهم که «حکومت از نهادها و مسائل مختلفی تشکیل شده است و معلوم است که وقتی گستره‌ی فقه به وسعت اداره جامعه شد باید در تمام زمینه‌ها برای کشف حکم خدا قیام نمود»، برحسب همین نیاز و ضرورت، چنین می‌فرمایند: «این (روشن نبودن برخی از مسائل) نقص از ما است؛ و آلاً فقه یعنی اداره زندگی، یعنی تبیین نظام زندگی اجتماعی و سیاسی. اینکه ما در این زمینه تخصص‌گرایی کنیم و تخصص‌ها را هر چه ریزتر کنیم، فکر خیلی خوبی است... برخی از علوم بین‌رشته‌ای و مانند این‌ها برای این است که این نقص‌ها را جبران کند» (بیانات در دیدار طلاب حوزه‌های علمیه، ۱۳۹۸/۲/۱۸).

ایشان از دیرباز به‌ضرورت نگاه تخصصی به دانش فقه به جهت تعامل آن با علوم گوناگون تفتن یافته و ضمن تأکید بر لزوم آشنایی حوزه‌های علمیه با سبک‌های نوین تحقیقاتی، در این زمینه اظهار می‌دارند که حوزه‌های علمیه باید حرکت به سمت تخصصی شدن را جدی بگیرند و

در فقه و اصول و بخش‌های مختلف فقهی و دیگر علوم اسلامی، تخصص و درجات تخصصی به اجرا گذاشته شوند (بیانات در آغاز درس خارج فقه، ۱۳۷۰/۶/۳۱).

از آنجاکه شناخت دقیق موضوعات احکام، مستلزم تعامل دانش فقه با سایر علوم است، مقام معظم رهبری بر این امر تأکید می‌ورزند که حوزه علمیه باید به مجموعه‌ای از علوم انسانی و غیره که دارای تأثیر در استنباط صحیح که از آن جمله تشخیص درست موضوعات است، مجهز گردند؛ زیرا بدیهی است که شناخت درست موضوع در تصحیح شناخت حکم الهی دارای تأثیری تمام است» (پیام به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۱/۸/۲۴).

ایشان استفاده از فرآورده‌های علوم بشری را در شناخت دقیق‌تر احکام دینی جایز دانسته و چنین اظهار می‌دارند: «هیچ ایرادی ندارد که ما از روان‌شناسی و جامعه‌شناسی و فلسفه و علوم ارتباطات و همه‌ی رشته‌های علوم انسانی که غرب ایجاد و تولید کرده یا گسترش داده استفاده کنیم (بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۰/۰۵/۱۹).

معظم‌له ضمن تأکید فراوان بر اینکه حوزه باید از پیشرفت‌های جهانی - در همه‌ی مسائلی که به علوم اسلامی ارتباط پیدا می‌کند - مطلع بشود و خود را با آنها هماهنگ کند، در این زمینه دانش جامعه‌شناسی را مثال می‌زنند: «امروزه در باب جامعه‌شناسی، مفاهیم جدیدی مطرح می‌شود که این مفاهیم، با حوزه‌ی کار علمای دین ارتباط پیدا می‌کند. فرض کنید مفاهیم جامعه‌شناسی یا تاریخی مارکس در داخل اجتماعات می‌آید و وسیله‌ی برای القای تفکرات ماتریالیستی و فلسفی مارکس می‌شود» (بیانات در آغاز درس خارج فقه، ۱۳۷۰/۶/۳۱). در منظومه‌ی فکری ایشان در مواجهه با چنین الفائاتی بایسته است که حوزه‌ها به سمت تخصصی شدن بروند: «بایستی تخصصی شدن در حوزه جدی گرفته بشود. با این سطح وسیع و کار عظیمی که وجود دارد، حتی خود فقاقت - معاملات و عبادات - را تخصصی کنند. درست است که این‌ها به کار هم می‌خورند و هرکدام ممکن است در دیگری اثر بگذارند، اما درعین حال هر کدامی خودش یک کار جداگانه است که می‌تواند یک متخصص داشته باشد. اصول و فقه و ابواب مختلف فقه و تخصص و درجات تخصص و روش‌های دیگر را باید در حوزه جدی گرفت (همان).

ایشان در این زمینه به یک پرسش مقدر نیز پاسخ می‌دهند و آن اینکه آیا واقعاً ضرورتی برای مجهز شدن به علوم و فنون جدید در حیطه‌ی علوم دینی وجود دارد؟ پاسخ ایشان به این پرسش

این است که: «ما فقه می‌خوانیم، اما از وسیله سریع‌السییر هم استفاده می‌کنیم؛ مگر مانع و منافاتی دارد؟... ما فقه می‌خوانیم، اما از شیوه‌های جدید تحقیق هم استفاده می‌کنیم. در دنیا روش‌های ویژه و بسیار جدیدی برای تحقیق علوم غیرتجربی وجود دارد - فقه از علوم تجربی نیست - (لکن) از آنها هم استفاده می‌کنیم. ما فقه می‌خوانیم، اما از ابزارهای کار دسته‌جمعی هم استفاده می‌کنیم... تخصصی شدن و رشته‌رشته کردن و امتحان کردن و کارهای گوناگون دیگر از همین قبیل است. نیاوند بگویند که بزرگان ما همان‌طور درس خواندند و به آنجاها هم رسیدند. در حقیقت، بزرگان ما ابزار و وسیله‌ی نداشتند. اگر کسی مثل ابن‌سینا در دنیای امروز با امکانات امروز درس می‌خواند، کاری می‌کرد که تا هزار سال دیگر دنیا مدیون او باشد؛... بایستی به دنبال ابزار کار باشیم و این چیز بسیار حائز اهمیت است؛ نمی‌شود از این‌ها گذشت. ان‌شاءالله این‌ها را بایستی انجام بدهند» (بیانات در دیدار جمعی از روحانیون، ۱۳۷۰/۱۲/۱).

معظم‌له در جای دیگری می‌فرماید: «توجه به این معنا که کارها را باید تقسیم کرد و درس خواندن را هم بر اساس تقسیم کار باید قرار داد، یک توجه خیلی خوبی است. این توجه را معارف جدید و فرهنگ جدید به آن بها داد و از اول مبنای کار خودش را بر این قرار داد. حوزه‌ها خیلی به این مسئله توجهی نداشتند. البته در سابق تو حوزه‌ها هم بود این‌چور که حالا یک کسانی بودند که فقط در ادبیات مُلّا می‌شدند یا فقط مثلاً به فلسفه می‌پرداختند. اما یک چیز استثنائی و نادری بود. به نظر ما در حوزه‌های علمیه بایستی اهداف جداگانه‌ای را مورد توجه قرار داد» (بیانات در مراسم سالگرد شهادت دکتر مفتاح، ۱۳۶۴/۹/۲۶).

در تبیین دیدگاه مقام معظم رهبری باید گفت هر چه زمان جلوتر می‌رود، مجموعه‌ای شدن موضوعات و چندبُعدی شدن موضوعات بیشتر می‌شود و همان‌طور که در علوم امروزی نیاز به مطالعات میان‌رشته‌ای ضرورت یافته است و اهمیت این مطالعات میان‌رشته‌ای کمتر از مطالعات درون‌رشته‌ای نیست؛ لذا باید اذعان داشت که بدون مطالعات بین‌رشته‌ای گاهی رشته‌ها دچار یک نوع ایستایی و رکود و توقف می‌شوند. بنابراین باید فرآیندی طی شود که ضمن غور در ابعاد عمومی و فقه عام، مطالعات تخصصی نیز با توجه به نیازهای روز شکل گیرد. به دیگر بیان، پیچیدگی و چندوجهی بودن مسائل دنیای امروز در حوزه‌های گوناگون موجب شده است که انجام فعالیت‌های علمی به شکل سنتی، آن‌چنان‌که در گذشته فقط با دخالت یک رشته انجام

می‌شد، در عصر حاضر در بسیاری از موارد پاسخگو نباشد؛ چه اینکه از یک طرف فرض بر این است که مطابق دیدگاه رایج و مقبول در فقه امامیه، گستره‌ی دانش فقه تمامی زندگی بشری را شامل می‌شود و از طرف دیگر انسان و جامعه انسانی ابعاد مختلفی داشته و برای حل هر مسئله‌ای به جمعی از تخصص‌ها در کنار دانش فقه از قبیل حقوق، جامعه‌شناسی، روانشناسی و... نیاز است و دیگر امکان پاسخگویی و حل انواع مسائل پیچیده و متنوع با روش‌ها سنتی وجود ندارد.

۴-۵. بهره‌گیری از ظرفیت فقه حکومتی

فقه حکومتی یکی از موضوعات و مباحث علمی و کاربردی و مهم در گستره‌ی تمدن اسلامی است که در گفتمان فقه تمدنی می‌تواند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار باشد؛ خاصه در عصر حاضر که تمدن غرب با تمدن اسلامی در عرصه‌های گوناگون و متنوع در پی ایجاد چالش‌های جدی سیاسی و علمی و هنری و در یک کلمه تمدنی است. تمدن اسلام از آغاز پیدایش و شکوفایی، شکل تازه‌ای از فرهنگ را نمود داده است که در تاریخ بی‌سابقه بوده است. اکنون در مرحله‌ی حساسی که تمدن اسلام در ارتباط با غرب قرار دارد، تمدن اسلامی نیازمند بازبینی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های آن است. در تعریف فقه حکومتی ابتدا توضیح این نکته لازم است که مطابق یک تقسیم‌بندی، احکام به سه قسم اولیه، ثانویه و حکومتی تقسیم می‌شوند. مراد از احکام اولیه احکامی می‌باشند که شریعت برای موضوعات معین، فارغ از شرایط و احوالی که ممکن است برای مکلف روی دهند وضع نموده است؛ مانند وجوب نماز، وجوب حج و حرمت خوردن گوشت مردار. در مقابل حکم ثانویه حکمی است که به جهت پدید آمدن شرایط و حالاتی مانند عسر و حرج، اضطرار و اموری از این قبیل تشریح می‌شوند و احکام اولیه را تحت تأثیر قرار می‌دهند. در نهایت حکم حکومتی نیز به حکمی گفته می‌شود که حاکم جامع‌الشرایط با نظر داشت شرایط خاص تعیین می‌نماید. در باب فلسفه‌ی وجودی فقه حکومتی گفته شده است از آنجاکه برپایی حکومت، فلسفه ظهور و کاربست شریعت و به‌ویژه فقه است، حکومت اسلامی این اختیار را دارد که با لحاظ مصلحت و غبطه جامعه و امت دینی، به صدور دستورهایی با عنوان حکم حکومتی اقدام نماید. بدیهی است که در صورت تراحم حکم حکومتی با سایر احکام، حکم حکومتی مقدم بوده و رعایت چنین احکامی که مطابق مصلحت و مفسده صادر شده است، بر همگان واجب است (امام خمینی، ۱۴۲۳، ص ۱۲۴؛ عمید زنجانی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۲۲۳).

به نظر می‌رسد در عصر حاضر که فقه حکومتی در ذیل نظام ولایت‌فقیه نمود یافته است؛ فرصت خوبی برای باز تبیین روشمند این آموزه‌ی غنی و این میراث گران‌بها به وجود آمده است. در دوره‌ی حاضر برای فقه شیعه، زمینه و بستری فراهم شده است که با توجه به سؤالات جدید و شبهات فقهی نوپیدا که به تضارب آرا و دیدگاه‌ها و تنش‌های فکری انجامیده است، در مسائل مختلف ورود کرده و مطابق با مصلحت جامعه اسلامی دستورات شرعی و سبک زندگی اسلامی را ارائه دهد تا شرایط را برای زندگی سعادت‌مندان در بستر تمدن نوین اسلامی فراهم آورد.

در توضیح بیشتر مطلب می‌توان افزود که اگر تمدن بالاترین سطح پیشرفت و توسعه‌یافتگی و فرهیختگی اجتماعی یک جامعه باشد، می‌توان رویکرد حکومتی را در ذیل این مفهوم چنین تبیین نمود که فقیه حاکم می‌تواند از اختیارات خود استفاده نموده و تمامی ابزارهای لازم را در مسیر تحقق یک تمدن ممتاز به کار بندد و در این راستا مسائل فقهی به‌گونه‌ای فهم و تبیین شوند که گویی فقیه نه‌فقط مسئول برآوردن نیازهای افراد جامعه به‌صورت فردی و جزئی، بلکه همه‌ی پیروان مکتب اهل‌بیت (ع) و بالاتر از آن‌همه‌ی مسلمانان و بالاتر از آن‌همه‌ی شهروندان شمرده شود. یعنی فقیه در فرایند اجتهاد خود نه‌فقط مناسبات انسانی و روابط پیچیده سیاسی و فرهنگی و اقتصادی و غیره محیط اطراف خود بلکه جامعه بزرگی را که در آن زندگی می‌کند و بلکه بالاتر از آن تمدنی را که جامعه او بخشی از آن است در نظر داشته باشد. فقیه‌ی که چنین افقی را در ذهن داشته باشد و فضای زیست خود و قلمرو مسئولیت خود را تا بدین پایه گسترده ببیند، مباحث و مسائل فقهی رایج را به‌گونه‌ای متفاوت فهم می‌کند و افزون بر این پرداختن به پاره‌ای مباحث و مسائل نوپدید فقهی را گریزناپذیر خواهد دید.

مقام معظم رهبری اهتمام ویژه‌ای به ظرفیت‌های فقه حکومتی دارند. از نظر ایشان فقه سیاسی در شیعه، سابقه‌ای به درازای تاریخ فقه دارد؛ لکن مسئله‌ی جدیدی که در این زمینه وجود دارد نظام‌سازی مبتنی بر فقه می‌باشد (بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۰/۶/۱۷). البته این نظام‌سازی امری نیست که به یکباره ایجاد شود؛ بلکه نظام‌سازی یک امر جاری بوده و متناسب با اقتضائات روز و نیازهای زمان باید دست به اصلاح و تکمیل آن زد (همان).

از نظر معظم‌له یکی از مسائلی که باید روی آن تأکید فراوان داشت، توسعه‌ی فرهنگ اسلامی در تمام شئون زندگی است (بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۷۹/۱۱/۲۷).

ایشان معتقدند برپایی نظام اسلامی که مدعی تحقق مقررات دینی در تمامی ابعاد زندگی انسان است جزو ضرورت‌ها بوده و اقبال به فقه حکومتی و استنباط احکام شرعی در جمیع شئون حکومت دینی و نظر به تمامی احکام فقهی با نگاه حکومتی - یعنی ملاحظه‌ی تأثیر احکام در تکوین جامعه طراز، از واجبات اساسی در حیطه فقه تمدنی می‌باشد (پیام به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۱/۸/۲۴).

در اندیشه‌ی رهبری انقلاب، همواره دو رویکرد می‌تواند نسبت به دانش فقه وجود داشته باشد؛ در یک رویکرد فقیه صرفاً نگاه فردگرایانه داشته و احکام عملی ناظر به آحاد مکلفان را بیان می‌کند؛ لکن در رویکرد دوم، فقیه بر این واقعیت اهتمام می‌ورزد که افراد افزون بر هویت فردی، دارای هویت اجتماعی نیز بوده و به تعبیری فرد در ذیل مفهومی تحت عنوان «امت» تعریف می‌شود؛ لذا این هویت جمعی نیز موضوع بسیاری از احکام قرار گرفته و با پذیرش وجود چنین مبنایی، طرح مسئله‌ای مانند فقهت حکومتی معنا می‌یابد: «اگر کسی درباره‌ی احکام فقهی در دوره حاکمیت اسلام کار کند، آن احکام را دوگونه می‌تواند مورد مطالعه و ملاحظه قرار دهد: یک‌طور احکام فقهی مربوط به اداره یک فرد؛ منهای اینکه این فرد در کجای عالم زندگی می‌کند؛ یک‌وقت هم انسان همین حکم فقهی را به‌عنوان بخشی کوچک یا بزرگ از چگونگی اداره‌ی یک جامعه بررسی می‌کند. این‌ها با هم متفاوت است. حتی در استنباط حکم فقهی هم تفاوت‌هایی به وجود می‌آید؛ حتی در مسأله طهارت و نجاست؛ حتی در مسائل شخصی. یک‌وقت به‌عنوان جزئی از مجموعه اداره‌کننده فرد و جامعه در حاکمیت اسلام مطرح می‌شود؛ یک‌وقت هم نه، مجرد از مجموعه اسلام و فقط به‌عنوان یک حکم که برای یک فرد مطرح است، می‌باشد» (بیانات در دیدار جمعی از روحانیون، ۱۳۷۶/۲/۱۳).

به نظر می‌رسد آنچه پرداختن به فقه حکومتی را تشدید نموده و ضروری می‌سازد، طرح نظریاتی در دنیای معاصر است که با القای ناکارآمدی دین، مدعی رهنمون ساختن بشریت به سعادت، بدون استمداد از آموزه‌های وحیانی ادیان است. در همین راستا مقام معظم رهبری پرداختن به فقه حکومتی را از واجبات اساسی در حوزه فقه اسلامی برمی‌شمارند: «تشکیل نظام اسلامی که داعیه‌دار تحقق مقررات اسلامی در همه‌ی صحنه‌های زندگی است، وظیفه‌ای استثنائی و بی‌سابقه بر دوش حوزه علمیه نهاده است و آن تحقیق و تنقیح همه مباحث فقهی‌ای است که

تدوین مقررات اسلامی برای اداره هر یک از بدنه‌های نظام اسلامی بدان نیازمند است. فقه اسلام آنگاه که اداره‌ی زندگی فرد و جامعه- با آن گستردگی و پیچیدگی و تنوع را- مطمح نظر می‌سازد، مباحثی تازه و کیفیتی ویژه می‌یابد و این همان‌طور که نظام اسلامی را از نظر مقررات و جهت‌گیری‌های موردنیازش، غنی می‌سازد، حوزه فقهات را نیز جامعیت و غنا می‌بخشد. روی آوردن به «فقه حکومتی» و استخراج احکام الهی در همه‌ی شئون یک حکومت و نظر به همه‌ی احکام فقهی با نگرش حکومتی- یعنی ملاحظه تأثیر هر حکمی از احکام در تشکیل جامعه نمونه و حیات طیبه اسلامی- امروز یکی از واجبات اساسی در حوزه فقه اسلامی است که نظم علمی حوزه، امید برآمدن آن را زنده می‌دارد» (پیام به جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۱/۸/۲۴).

شایان توجه آنکه از دیدگاه معظم‌له، رویکرد حکومتی به فقه، حتی در جزئی‌ترین موضوعات فقهی نیز جریان دارد و بر این اساس، می‌بایست فرایند استنباط با نگاه کلان به مسائل همراه باشد: «ما بایستی این فکر را در حوزه ریشه‌دار کنیم؛ به این شکل که هم فقهات را این‌طور قرار بدهیم و هم در عمل این‌گونه باشیم. یعنی چه؟ یعنی استنباط فقهی، بر اساس فقه اداره نظام باشد؛ نه فقه اداره فرد. فقه ما از طهارت تا دیات، باید ناظر به اداره یک کشور، اداره یک جامعه و اداره یک نظام باشد... شما حتی در باب طهارت هم که راجع به ماء مطلق یا فرضاً ماء‌الحمام فکر می‌کنید، باید توجه داشته باشید که این در یک‌جا از اداره‌ی زندگی این جامعه تأثیری خواهد داشت؛ تا برسد به ابواب معاملات و ابواب احکام عامه و احوال شخصی و بقیه ابوابی که وجود دارد. بایستی همه این‌ها را به‌عنوان جزئی از مجموعه اداره یک کشور استنباط بکنیم. این در استنباط اثر خواهد گذاشت و گاهی تغییرات ژرفی را به وجود خواهد آورد» (بیانات در آغاز درس خارج فقه، ۱۳۷۰/۶/۳۱).

ایشان یکی از ضعف‌های فقهات و اجتهاد را عدم عنایت کافی به فقه حکومتی و اجتماعی معرفی می‌نمایند. از نظر معظم‌له، فقهی که در طی قرون و اعصار به دست ما رسیده است؛ اگرچه فقه متین و استواری بوده و در جای خود حرف‌های بسیاری برای گفتن دارد؛ لکن ایراد اساسی چنین رویکردی به فقه این است که بیشتر به کار شخصی و عمل فردی می‌آید و در راستای تحقق نظام طراز اجتماعی اسلامی، هنوز جای کار و جهد علمی بسیار دارد (بیانات در جمع علما و روحانیان زنجان، ۱۳۶۴/۸/۲۹).

ریشه چنین امری البته به ضعف فقهات شیعه بازمی‌گردد؛ بلکه انزوای اجتماعی بزرگان شیعه که به دلیل شرایط اختناق حکومت‌های جور بوده است، از جمله علل اساسی عدم اهتمام فقهای امامی به مسائل اجتماعی و حکومتی بوده است (بیانات در جمع طلاب و اساتید حوزه علمیه مشهد، ۱۳۶۴/۶/۱۱).

لذا در دوره‌ی کنونی و در عصر انقلاب اسلامی، باید پایه‌های فقه حکومتی را تقویت نموده و در گسترش و کارآمدی آن تلاش روزافزون نمود: «آفاق و گستره‌های جدید در امر فقهات لازم است. چه دلیلی دارد که بزرگان و فقها و محققان ما نتوانند این کار را بکنند؟ حقیقتاً بعضی از بزرگان این زمان و نزدیک به زمان ما، از لحاظ قوت علمی و دقت نظر، از آن اسلاف کمتر نیستند. منتها باید این اراده در حوزه راه بیفتد. باید این گستاخی و شجاعت پیدا شود و حوزه آن را بپذیرد. البته این‌طور نباشد که هر کس هر صدایی را بلند کرد، حوزه آن را قبول کند. درعین‌حال، نباید حرف جدید در حوزه و در چارچوب‌های مورد قبول، مستنکر باشد» (بیانات در دیدار جمعی از نخبگان حوزوی، ۱۳۷۴/۹/۱۳).

ایشان به صورت مصداقی و ملموس نیز به برخی موضوعات فقهی در راستای نگاه تمدنی و کلان به فقه پرداخته‌اند. مثلاً در ضمن بیاناتی فرمودند: «امروز فقه ما باید احکام معاملات را خوب برسد؛ احکام اجاره را به شکل جهانی خوب نگاه کند؛ احکام انواع و اقسام قراردادها را از شرع مقدس استنباط و بیان کند. خیلی از این‌ها هست که امروز برای ما روشن نیست. شما ببینید یک مضاربه ما - که برای آن خیلی هم تره خرد نمی‌کردیم - می‌تواند علی‌الفرض بانکداری را اداره بکند. خیلی خوب، چرا ما در کتب فقهیه و ابواب مختلف فقهیه تفحص لازم نکنیم، تا راه‌هایی را برای اداره‌ی زندگی پیدا نماییم؟ پس هم از لحاظ سطح بایستی پیشرفت بکند و گسترش بیشتری پیدا نماید و هم از لحاظ روش. همین روش فقهاتی که عرض شد، احتیاج به تهذیب، نوآوری و پیشرفت دارد. باید فکرها را نو روی آن کار بکنند، تا این‌که بشود کارایی بیشتری به آن داد (بیانات در آغاز درس خارج فقه، ۱۳۷۰/۶/۳۱).

در تحلیل و جمع‌بندی رویکرد و گفتمان مقام معظم رهبری در باب ضرورت فقه حکومتی باید گفت اگرچه تأسیس و راهبر فقه حکومتی در گفتمان انقلاب اسلامی با امام خمینی (ره) آغاز

گردید،^۱ لکن در دوره‌ی زعامت مقام معظم رهبری، این گفتمان به صورت تفصیلی در آرای ایشان مورد کنکاش و مذاقه فراوان قرار گرفت. همانگونه که از تأمل در فرازهای فوق که ذکر آن گذشت آشکار می‌گردد از منظر معظم‌له فقه باید مسلح و ناظر به جنبه‌های حکومتی و تمدنی باشد تا قدرت پاسخگویی به نیازهای جامعه و نظام اسلامی را دارا شود. ایشان در خلال بیانات متعددی، بر ضرورت فقه حکومتی انگشت تأکید نهاده و خواهان تبدیل شدن آن به گفتمان رایج در حوزه‌های علمیه شده است. آن‌چنان‌که مشخص است معظم‌له در فضایی که هنوز غالباً رویکرد فردی در فقه حاکم است، در جهت موجه کردن گفتمان فقه حکومتی، به تبیین تراث و تبار فقه حکومتی پرداخته و افزون بر این، ضمن پشتیبانی و توجه ویژه به فقه حکومتی، خود ایشان نیز در خلال فتاوا و آرای فقهی خود، به این امر اهتمام تام داشته‌اند. به نظر می‌رسد در اندیشه‌ی رهبری انقلاب، مبانی مختلفی منجر به لزوم و اهمیت فقه حکومتی می‌شود که از جمله این مبانی، جامعیت شریعت و لزوم پاسخگو بودن دین در همه‌ی زمینه‌ها است. در این راستا و در تبیین علل برجسته شدن فقه حکومتی، از ضرورت‌ها و اقتضائات وضعیت کنونی جامعه و حکومت‌داری نیز نباید غافل بود که به‌عنوان عاملی مهم در ضرورت ورود به گفتمان فقه حکومتی می‌تواند مورد تأکید قرار گیرد؛ چه اینکه روشن است آنچه در فقه فردی تحت عنوان «حکم» بدان نگرسته می‌شود، در فقه حکومتی می‌تواند ذیل عنوان «قانون» بازتعریف شده و اهمیت مضاعف یابد.

نتیجه‌گیری

مطابق آنچه گذشت آموزه‌های اسلامی به جهت پویایی، همواره از بهترین گزینه‌ها برای عینیت

۱. امام خمینی (ره) در باب اهمیت و جایگاه فقه حکومتی چنین می‌فرماید: «باید عرض کنم حکومت که شعبه‌ای از ولایت مطلقه رسول‌الله (ص) است، یکی از احکام اولیه اسلام است و مقدم بر تمام احکام فرعیه حتی نماز و روزه و حج است. حاکم می‌تواند مسجد یا منزلی را که در مسیر خیابان است خراب کند و پول منزل را به صاحبش رد کند. حاکم می‌تواند مساجد را در موقع لزوم تعطیل کند و مسجدی که ضیاع باشد در صورتی که رفع بدون تخریب نشود خراب کند. حکومت می‌تواند قراردادهای شرعی را که خود با مردم بسته است، در موقعی که آن قرارداد مخالف مصالح کشور و اسلام باشد، یکجانبه لغو کند. و می‌تواند هر امری را، چه عبادی و یا غیرعبادی است که جریان آن مخالف مصالح اسلام است، از آن مادامی که چنین است جلوگیری کند. حکومت می‌تواند از حج، که از فرایض مهم الهی است، در مواقعی که مخالف صلاح کشور اسلامی دانست موقتاً جلوگیری کند» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۰، ص ۴۵۲).

بخشیدن به تمدن مترقی که متضمن سعادت بشر باشد می‌تواند تلقی شود. در این راستا دانش فقه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ چه اینکه علم فقه متکفل سامان بخشیدن به زندگی عملی مسلمانان به شمار می‌آید. لذا شناخت ماهیت فقه تمدن‌ساز و همچنین تبیین جایگاه آن ضروری بوده و تبیین مؤلفه‌های آن از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی که عملاً اداره و تدبیر جامعه اسلامی را بر عهده دارند، ضرورتی انکارناپذیر است. در این راستا نوشتار حاضر با درنگ در بیانات مقام معظم رهبری و مطالعه‌ی آثار ایشان، محورهای فقه تمدنی موجود در سیره‌ی ایشان را حول محورهای ذیل استخراج نمود: ۱. حقوق شهروندان غیرمسلمان، که خود این موضوع در ذیل چند مسئله فرعی در آرای معظم‌له قابل‌شناسایی و تعریف است: الف. دیه‌ی اهل کتاب که وفق نظر حکومتی مقام معظم رهبری، دیه جنایت بر اقلیت‌های دینی شناخته‌شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به‌اندازه دیه مسلمان تعیین می‌گردد. ب. تعمیم مصادیق اهل کتاب که آیت‌الله خامنه‌ای در این زمینه با نگاه وسیعی به مسئله نگریسته و معتقدند مقصود از اهل کتاب هرکسی است که اعتقاد به یکی از ادیان الهی داشته و خود را پیروی از پیامبران الهی بدانند. ج. طهارت اهل کتاب که از حیث مسائل فقه تمدنی می‌تواند چالش‌برانگیز تلقی گردد و در این زمینه بسیاری از فقهای امامیه معتقد به نجاست اهل کتاب هستند؛ اما مقام معظم رهبری آنان را دارای طهارت ذاتی قلمداد می‌نمایند. ۲. حقوق اقلیت‌های مذهبی نیز در فقه رهبری جایگاه ویژه دارد و در این جستار در دو محور برجسته مورد تبیین قرار گرفته است: الف. حرمت اهانت به مقدسات اهل سنت که ایشان در فتوایی درخشان لعن و بی‌احترامی به صحابه را تحریم نموده‌اند. ب. حرمت غیبت مخالفان مذهبی که ایشان برخلاف نظر مشهور معتقدند موضوع حرمت غیبت، مسلمان بوده و صرفاً شامل مؤمن در معنای اصطلاحی آن نمی‌باشد. ۳. توجه به عنصر زمان و مکان نیز در خلال بیانات و آرای ایشان مشهود است و مقام معظم رهبری به تأسی از امام راحل این مسئله مهم را مورد تأکید قرار داده‌اند. از باب نمونه ایشان یکی از شرایط و خصیصه‌های مجتهد اعلم را، آگاهی به تحولات زمان می‌دانند. ۴. لزوم ایجاد فقه‌های مضاف نیز که در زمره‌ی ابعاد و ضروریات فقه تمدنی محسوب می‌شود، در نظرگاه معظم‌له جلوه‌ی خاصی یافته و ایشان در ضمن بیانات مختلف به شرحی که ذکر شد به لزوم ایجاد فقه‌های تخصصی تأکید نموده‌اند. ۵. بهره‌گیری از پتانسیل‌های فقه حکومتی نیز از جمله اقتضات فقه تمدنی می‌باشد که وفق نظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دوره‌ی حاضر برای فقه شیعه، زمینه و بستری فراهم نموده است که در مسائل مختلف موردنیاز

جامعه ورود کرده و مطابق با مصلحت جامعه اسلامی دستورات شرعی و سبک زندگی اسلامی را ارائه دهند تا شرایط برای زندگی سعادت‌مندان در بستر تمدن نوین اسلامی فراهم گردد.

منابع

- ابن قدامه، عبدالله، بی‌تا، المعنی، دارالکتب العربی، بیروت.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، ۱۵ جلد، دارالفکر للطباعة و النشر، بیروت، سوم.
- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد (بی‌تا)، مقدمه ابن خلدون به کوشش علی عبدالواحد، قاهره، دارنهضة.
- آشوری، داریوش (۱۳۸۱)، تعاریف و مفهوم فرهنگ، تهران، انتشارات آگاه.
- بحرانی، یوسف بن احمد (۱۴۰۵ق)، الحداثتی الناصره، انتشارات اسلامی، قم، چاپ دوم.
- جعفری، محمد تقی (۱۴۱۸ق)، منابع فقه، تهران، مؤسسه نشر کرامت.
- جمالی، مصطفی (۱۴۰۱)، «مهندسی تمدن اسلامی از نگاه حکیم تمدن (آیت‌الله خامنه‌ای)»، پژوهش‌های گفتمان تمدنی انقلاب اسلامی، سال دوم، بهار و تابستان.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۲)، استفتائات، نشر اسراء، قم.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰ق)، الصحاح تاج اللغه و صحاح العربیه، دارالعلم للملایین، بیروت، اول.
- حکیم، سید محسن طباطبائی (۱۳۸۱ق)، مستمسک العروة الوثقی، مؤسسه دارالتفسیر، قم.
- حمزه بن علی ابن زهره حلبی (۱۴۱۷ق)، غنیة النزوع، مؤسسه الامام الصادق، قم، چاپ اول.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۴۱۵ق)، أجوبه الاستفتائات، دارالنباء، چاپ اول.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۸۵)، صحیفه امام، تهران، مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چهارم.
- ----- (۱۴۲۳ق)، ولایت فقیه، تهران، مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

- خوانساری، سید احمد بن یوسف (۱۴۰۵ق)، جامع المدارک، ۷ جلد، اسماعیلیان، قم، دوم.
- خویی، ابوالقاسم (بی تا)، مصباح الفقاهة (المکاسب)، ۷ جلد، بی جا.
- ----- (۱۴۱۰ق)، منهاج الصالحین، نشر مدینه العلم، قم، بیست و هشتم.
- سروش، عبدالکریم (۱۳۷۸)، بسط تجربه نبوی، تهران، مؤسسه فرهنگی صراط.
- علم الهدی، سید مرتضی (۱۴۱۵ق)، الانتصار، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، چاپ اول.
- شهید اول، محمد بن مکی عاملی (۱۴۱۹ق)، ذکر الشیعه فی أحكام الشریعه، مؤسسه آل البيت، قم، دوم.
- شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷ق)، مبسوط، المكتبة الرضویة، تهران.
- طباطبایی حائری، سیدعلی بن محمد (۱۴۱۸ق)، ریاض المسائل، ۱۶ جلد، مؤسسه آل البيت، قم، اول.
- طریحی، فخرالدین (۱۴۱۶ق)، مجمع البحرین، کتابفروشی مرتضوی، تهران، دوم.
- عاملی، سید جواد (۱۴۱۹)، مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه، انتشارات اسلامی، قم، چاپ دوم.
- علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۲۰ق)، تحریر الأحکام الشرعیة، قم، مؤسسه امام صادق (ع).
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۴۲۱ق)، فقه سیاسی، ج ۳، تهران، امیرکبیر.
- فلاح تفتی، فاطمه (۱۴۰۱)، «مبانی و قواعد فقهی حاکم بر عقلانیت و همگرایی مسلمانان در تمدن نوین اسلامی»، مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، دوره ۵، شماره ۲، پاییز و زمستان.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
- قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲).
- قرطبی، محمد بن احمد (۱۴۰۵ق)، الجامع لاحکام القرآن، مؤسسه التاريخ العربی، بیروت.
- کارشناس، علی و دیگران (۱۴۰۱)، «نقد انگاره اسلام رحمانی به مثابه‌ی چالش فقه تمدنی با تأکید بر آرای امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)»، مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، دوره ۵، شماره ۲، پاییز و زمستان.

- کارشناس، علی (۱۳۹۹)، «نقش مبانی فقه تمدن‌ساز اسلامی در ایجاد وحدت امت بر اساس منظومه فکری مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)»، علم و تمدن در اسلام، سال اول، شماره ۴، تابستان.
- مجتهد شبستری، محمد (۱۳۷۷)، راه نو، سال اول، شماره ۱۹.
- محقق اصفهانی (هندی)، محمد بن حسن (۱۴۱۶ق)، کشف اللثام، دفتر انتشارات، قم، اول.
- مصطفوی، حسن (۱۳۸۵)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۱)، آشنایی با علوم اسلامی (جلد ۱)، انتشارات صدرا، تهران، هشتم.
- ----- (۱۳۸۰)، پانزده گفتار، قم، صدرا، اول.
- ----- (۱۳۷۲)، مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی، مجموعه آثار، تهران، انتشارات صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶)، زندگی در پرتو اخلاق، نسل جوان، قم.
- ----- (۱۴۲۷ق)، دائرةالمعارف فقه مقارن، قم، انتشارات مدرسه امام علی (ع).
- نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ ق)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، دار إحياء التراث العربی، بیروت، هفتم.
- نصر، سید حسین (۱۳۸۲)، جوان مسلمان و دنیای متجدد، تهران، طرح نو.
- واسطی، عبدالحمید (۱۳۹۹)، «اجتهاد تمدنی؛ منطق فهم دین در مقیاس تمدن‌سازانه (چیستی، امکان و چگونگی)»، تحقیقات بنیادین علوم انسانی، سال ششم، شماره ۲، تابستان.
- ولایتی، علی‌اکبر (۱۳۸۲)، پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، تهران، مرکز اسناد و خدمات پژوهش.

References

- Ibn Qudama, Abdullah, N.d, *Al-Mughanni*, Dar al-Kotob al-Arabi, Beirut [In Persian].

- Ibn Manzoor, Muhammad ibn Mokaram (1414 AH), *Lessan al-Arab*, 15 volumes, Dar al-Fekr lel-tab'a'ah and al-nashar, Beirut, III [In Persian].
- Ibn Khaldun, Abd al-Rahman ibn Muhammad (n.d), *Introduction by Ibn Khaldun by Ali Abd al-Wahed*, Cairo, Dar Nahdha [In Persian].
- Ashuri, Dariush (1381), *Definitions and Concept of Culture*, Tehran, Agah Publications [In Persian].
- Bahrani, Yusuf ibn Ahmad (1405 AH), *Al-Hadaeiq Al-Nadrah*, Islamic Publications, Qom, second edition [In Persian].
- Jafari, Mohammad Taqi (1418 AH), *Sources of Jurisprudence*, Tehran, Keramat Publishing House [In Persian].
- Jamali, Mustafa (1401), "*Engineering of Islamic Civilization from the perspective of the Wise Man of Civilization (Ayatollah Khamenei)*", Researches on the Civilizational Discourse of the Islamic Revolution, second year, spring and summer [In Persian].
- Javadi Amoli, Abdullah (1392), *Istifta'at*, Asra Publishing House, Qom [In Persian].
- Johari, Ismail ibn Hammad (1410 AH), *Al-Sahaha-Taj-al-Loghah wa Sahah-Al-Arabiya*, Dar al-Elm lelmollaein, Beirut, first [In Persian].
- Hakim, Seyyed Mohsen Tabatabai (1381), *Mustamsek al-Orwa al-Wothgha*, Dar al-Tafsir Institute, Qom [In Persian].
- Hamza Ibn Ali Ibn Zahra Halabi (1417 AH), *Ghaniya al-Nuzou*, Imam Sadeqh Foundation, Qom, first edition [In Persian].
- Khamenei, Seyyed Ali (1415 A.H.), *Ajwaba al-Istifta'at*, Dar al-Naba, first edition [In Persian].
- Khomeini, Ruhollah (1385), *Sahifah Imam*, Tehran, Institute for Editing and Publishing the Works of Imam Khomeini (RA), IV [In Persian].
- ----- (1423 AH), *Velayat Faqih*, Tehran: Imam Khomeini Works Editing and Publishing Institute [In Persian].
- Khansari, Seyyed Ahmad ibn Youssef, (1405 AH), *Jame al-Madarek*, 7 volumes, Ismailian, Qom, II [In Persian].
- Khoei, Abu al-Qasim, (n.d), *Misbah al-Faqaha (Al-Makaseb)*, 7 volumes, no place.

- ----- (1410 AH), *Minhaj al-Salehin*, published in Madina al-Elm, Qom, twenty-eighth [In Persian].
- Soroush, Abdul Karim (1378), *Expansion of Prophetic Experience*, Tehran, Serat Cultural Institute [In Persian].
- A'alam al-Hoda, Seyed Morteza (1415 AH), *Al-Intisar*, Al-Nashr al-Islami Foundation, Qom, first edition [In Persian].
- The First Martyr, Muhammad ibn Makki Ameli (1419 A.H.), *dhekra alShia fi Ahkam al-Sharia*, Al-Bayt Institute, Qom, II [In Persian].
- Sheikh Tusi, Muhammad ibn Hassan (1387 A.H.), *Mabsut*, Al-Maktab Al-Razawiyah, Tehran [In Persian].
- Tabatabai Haeri, Seyyed Ali ibn Muhammad (1418 AH), *Riyad al-Masail*, 16 volumes, Al-Bayt Institute, Qom, first [In Persian].
- Tareehi, Fakhreddin (1416 AH), *Majma Al Bahrain*, Mortazavi bookstore, Tehran, II [In Persian].
- Ameli, Seyyed Javad (1419), *Miftah al-Karama fi Sharh al-Qawa'ed al-Allamah*, Islamic Publications, Qom, second edition [In Persian].
- Allameh Helli, Hasan ibn Yusuf (1420 AH), *Tahrir al-Ahkam al-Shareia*, Qom, Institute of Imam Sadiq (a.s.) [In Persian].
- Omid Zanjani, Abbas Ali (1421 AH), *political jurisprudence*, 3 volumes, Tehran: Amir Kabir [In Persian].
- Falah Tafti, Fatemeh (1401), "The foundations and rules of jurisprudence governing the rationality and convergence of Muslims in modern Islamic civilization", *Basic Studies of Modern Islamic Civilization*, Volume 5, Number 2, Autumn and Winter [In Persian].
- The Constitution of the Islamic Republic of Iran [In Persian].
- Islamic Penal Code (approved 1392) [In Persian].
- Qurtubi, Muhammad ibn Ahmad (1405 AH), *Al-Jamea al Ahkam Al-Qur'an*, Al-Tarikh Al-Arabi Foundation, Beirut [In Persian].
- Karshenas, Ali and others, "Criticism of Rahmani Islam as a Civilizational Jurisprudence Challenge with Emphasis on the Opinions of Imam Khomeini (R.A.) and the Supreme Leader (Madazla Al-Ali)", *Fundamental Studies of Modern Islamic Civilization*, Volume 5, Number 2, Autumn and Winter 1401 [In Persian].

- Karshenas, Ali (2019), "The role of the foundations of Islamic civilizing jurisprudence in creating the unity of the Ummah based on the intellectual system of the Supreme Leader (Madazlah al-Aali)", *Science and Civilization in Islam*, first year, number 4, summer [In Persian].
- Mujtahed Shabestari, Mohammad (1377), *New Way*, first year, number 19 [In Persian].
- Mohagheq Esfahani (Indian), Muhammad ibn Hassan, (1416 AH), *Kashf al-Letham*, Publications Office, Qom, first [In Persian].
- Mostafavi, Hassan (1385), *Al-Tahqiq fi Kalamat al-Qur'an al-Karim*, Tehran, Allameh Mustafavi's Works Publishing Center [In Persian].
- Motahari, Morteza (1381), *Introduction to Islamic Sciences* (Volume 1), Sadra Publications, Tehran, 8th [In Persian].
- ----- (1380), *Fifteen Sayings*, Qom, Sadra, first [In Persian].
- ----- (1372), *an introduction to Islamic worldview*, collection of works, Tehran, Sadra Publications [In Persian].
- Makarem Shirazi, Nasser (2006), *Life in the Light of Ethics*, Young Generation, Qom [In Persian].
- ----- (1427 A.H.), *Encyclopaedia of Jurisprudence*, Qom, Imam Ali (a.s.) School Publications [In Persian].
- Najafi, Muhammad Hassan (1404 AH), *Jawaher al Kalam fi sharh al sharayei al Islam*, Dar Ihiya Al-Turath al-Arabi, Beirut, 7th [In Persian].
- Nasr, Seyyed Hossein (2012), *Young Muslims and the New World*, Tehran, new design [In Persian].
- Vaseti, Abdul Hamid (2019), "Civilization Ijtihad; The logic of understanding religion in the civilization-building scale (what, possibility and how)", *Basic research of humanities*, sixth year, number 2, summer [In Persian].
- Velayati, Ali Akbar (1382), *Dynamics of Islamic and Iranian Culture and Civilization*, Tehran, Research Documentation and Services Center [In Persian].